



سازمان کارگران انقلابی ایران، تهران

# سلام کارگر



شماره ۲۷، بهار، سال ۶۰، ریال

ارگان کمیته خارج از کشور

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سال دوم نیمه اول شهریور ۱۳۶۷

## هماهنگ با مبارزه توده‌ها

### علیه شکنجه و اعدام، به دفاع از جان زندانیان سیاسی برخیزیم!

جمهوری جهل و جنایت اسلامی که جنگ ۸ ساله را وسیله تحمیل توده‌های رنج دیده کشورمان و تحکیم حکومت خودتقرا ردا ده بود، تحت فشار اعتراضات توده‌ای، بویژه مقاومت کارگران و زحمتکشان در وحشت از انقلاب زهر پذیرش آتش بس را بصورت فضا حت با ری سرکشید. بی شک تحمیل آتش بس، پیروزی بزرگی است که مردم مقاوم و قهرمان کشورمان، علیرغم ممانعت بی‌شمار در مقابل رژیم فقهی بدست آورده اند. هم‌اکنون نهاد های رسمی بین المللی، از شورای امنیت گرفته تا مطبوعه سرخ در تلاش سروسامان دادن به اجرای قطعنامه ۵۹۸ هستند که یکی از مواد آن آزادی اسرای دوطرف در کبر در جنگ است.

اما همزمان با آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق و حتی قبل از آن یعنی از فردای قیام پیروز می‌نشد توده‌ها که بساط سلطنت، در هم پیچیده شد و ارتجاع مذهبی روی کار آمد، جنگی بهمان کثیفی و ارتجاعی، در داخل و بصورت آشکارا و پنهان از طرف فقهی علیه مردم کشورمان جریان داشته است، که محصول آن نه‌گشتا جمعی جوانان تحمیل شده و حزب الله و یاسر با زان و پاسداران سرمایه، بلکه نابودی جمعی از فرهیخته‌ترین، آگاه‌ترین و شجاع‌ترین جوانان کشورمان، زنان و مردان آزادی‌خواه، سعادت جو و طالب رها بی توده‌های مردم و به بند کشیده شدن دهها هزار تن از آنان در سیاه چال های رژیم بوده است.

اکنون که رژیم فقهی تا حدودی از جبهه‌های جنگ خارجی آسوده شده است، با تمام قوا در جبهه داخلی هجوم آورده است تا بلکه جلوی بی‌پروایی و تعرض بیش از حد توده‌های عامی را علیه خود سد کند. او در این جنگ علیه توده‌ها، صدها هزار اسیرا زجبهه انقلاب یعنی زندانیان سیاسی را در گروگان خود دارد و سعی می‌کند با اعدام‌های وسیع و فشا زجر آنها توده‌های جان بر لب رسیده را تهدید کرده و مرعوب سازد. چرا که می‌داند وجود و مقاومت آنان، وجود و مقاومت شکستنا پذیر کارگران و زحمتکشان است.

بقیه در صفحه ۲

جنبش ایران‌نیا ن مقیم خارج بمثابه جزئی از جنبش دمکراتیک خلقهای ایران پیوسته نسبت به مسائل و تحولات مبارزات توده‌ها در داخل کشور حساس بوده و مبارزات دفاعی و افشاگر خود را در راستای نیازهای این مبارزه هماهنگ کرده است. چنانکه در مسائلی از قبیل مسئله جنگ ایران و عراق و خواست صلح محوری ترین مطالبه دمکراتیک توده‌ها را تشکیل می‌داد. دیدیم بیشترین فعالیتهای جنبش خارج از کشور، صرف نظر از فرا زو فرودها و نقطه ضعف‌های آن جنبش صلح و افشای موضع جنگ طلبانه رژیم اسلامی شد.

اکنون با توجه به شکست جمهوری فقهی در جنگ و پذیرش آتش بس و تغییراتی که تحت تاثیر شیرآندر اوضاع و احوال سیاسی کشور پدید آمده، در شعارهای دفاعی جنبش خارج از کشور نیز تغییراتی حاصل خواهد شد که توجه به آنها برای سازماندهی نیروها و متمرکز شدن روی محورهای اساسی این مبارزات ضروریست.

با بد توجه داشت که مسائل مربوط به جنگ و صلح بعد از پذیرش آتش بس کمترین عمده‌ترین موضوعی است که فعل و انفعالات بزرگ سیاسی کشورمان از گانال آن می‌گذرد. برای رژیم جنگ طلب فقهی که در شرایط شکست و ضعف و ترس از برآورد توده‌های وسقوط خودناچار به پذیرش آتش بس شده، بقیه در صفحه ۲

موضوعه ۹

### گام‌های ایران:

### گزارشی از نظرات مردم درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸

### هرگز ژنرال ضیاء

و پیامدهای آن در پاکستان

### ترکیه فروخت، ایران به رگبار بست

رنواستیشن دارای هلاک 65AU661 در جلوی هتل چالدریان (CALDIRAN) و آن توفیق کرد. از ماشین سه پلیس سوئیل پنا ده شدند و به نزد پناهندگان منتظر در هتل رفتند. یکی از پلیسها اما می ۱۶ نفر از ۳۴ نفر پناهنده در هتل را از کاغذی که در دست داشت خواند. بعد از آنجا به هتلهای اسلان (ASLAN) چراد (MURAT) و سبیل (SIBEL) رفتند. مجموعا به ۵۸ پناهنده مژده‌ای را که مدتها در انتظارش بودند، دادند که به کمپهای تحت نظر سازمان ملل در شهرهای کایسری (KAYSERI)، چوروم (ÇORUM) اسکیشهر (ESKISEHIR) کوتاها (KUTAHYA) و کاستامونو (KASTAMONU) در تاریخ ۲۹، ۲۰۸۸ بقیه در صفحه ۱۴

روز ۱۷ ژانویه پاکستان و همزمان با آن خبرگزاریهای جهان خبر دادند که ژنرال ضیاء الحق، رهبر کودتای ۱۹۷۷ و رئیس جمهور "قانونی" پاکستان در یک سانحه هوایی جان باخت است. او در روز ۱۷ ژانویه هنگامی که همراه یک جمع سی نفره - که سفیر آمریکا در پاکستان و رئیس ستاد مشترک ارتش پاکستان نیز را همراهی می‌کردند - وبوسیله یک هواپیمای مخصوص مشغول بازدید از یک مانور نظامی نیروهای ارتش پاکستان بودند، ناگهان با انفجار هواپیمای نا مبرده تما می چندده نفر سرنشینان هواپیمای هلاکت می‌رسند.

ارتش تا دندان مسلح پاکستان تحت

بقیه در صفحه ۴

### سنون آزاد

(نقدتاتر)

در صفحه ۵

اجرائی زیبای از یک اشوبشت

در باره پاولوف و پاولوف و نو...  
- قسمت دوم - در صفحه ۸

### "اقلیت"

در صفحه ۷

علیه آزادیهای بی‌قید و شرط سیاسی

### توران میادگاه

انحمارات بین المللی

در صفحه ۱۲

# هماهنگ با مبارزه توده‌ها

## اطلاعیه مطبوعاتی کمیته خارج از کشور

از هفته اول ژوئیه ۸۸ ملاقات کلبه زندانیان سیاسی ایران قطع گردیده و حکومت اسلامی هرگونه ملاقاتی را تا نیمه اکتبر ۸۸ ممنوع کرده است. خانواده‌های زندانیان سیاسی که در چنین مواقعی نگران جان فرزندان خود هستند در مراجعه به زندانیان در نیمه دوم و ت ۸۸ موفق نشدند هیچگونه اطلاعی از سرنوشت فرزندان خود پیدا کنند. لذا آنها قمدارند که در روز ۳۰ اوت ۸۸ در جلوی زندان اوین تجمع کرده و برای کسب اطلاع از فرزندان خود اقدام نمایند. این در حالیست که رژیم شکست خورده فقها در جنگ که در ترس از اعتراضات مردم بصری برد، به اقدامات جنایتکارانه خود در زندانیان با کشتار زندانیان ادامه می‌دهد. گزارشات متعددی از اعدام‌های وسیع زندانیان سیاسی ایران واصل شده که با تنفروانزاجا مردم ایران و همه بشریت مترقی و آزادیخواه روبرو گشته است. در اعتراض به این فشاهاست که زندانیان قهرمان سیاسی ایران دست به اعتصاب غذا زده اند. ما افکار عمومی مردم آزادیخواه و نیروهای دمکرات را به اقدامات جنایتکارانه رژیم اسلامی در جهت تشدید فشار زندانیان سیاسی جلب کرده‌ایم خواهیم که با اعتراضات خود علیه ترور و اخناق و بفتح دمکراسی در ایران مبارزه نمایند.

سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
کمیته خارج از کشور  
۲۸ اوت ۸۸

### يك "تصميم سياسي"

دولت دست راستی آلمان غربی این روزها پس فرستادن پناهندگان رده شده و خارجیان را به کشورهایشان در دستور کار خود قرار داده است. طبق تصمیم وزارت حمل و نقل آلمان غربی، قرار شده است که همراه با پناهندگان و خارجیان که اجباراً می‌باید خاک آلمان غربی را ترک کنند یک ما مور مرزی فرستاده شود تا از خروج پناهنده و خارجی پس فرستاده شده از خاک آلمان غربی، اطمینان حاصل شود. در همین رابطه بسیاری از شرکت‌های هواپیمائی برای خوش خدمتی به این "تصمیم سیاسی" دولت دست راستی، هزینه تبلیغ ما مور مرزی ای که پناهنده و با خارجی پس فرستاده شده را همراهی می‌کنند به نصف قیمت تقلیل داده اند. تاکنون لوفت هانزا، پانام و بریتیش ایرویز برای این خوش خدمتی اعلام آمادگی کرده اند.

حلقه‌ها تمام دهنده حرکات و خواسته‌های متفاوت مردم عمل کرده و بی‌تابانه عرصه‌های سیاسی برای تعرض به رژیم فقها و در جهت سرنگونی آن درمی‌آید. این امر در خارج از کشور که محیط بین‌المللی و فضای عمومی مهاجرین برای مبارزات دفاعی در این زمینه آما دگی داشته و از حساسیت زیادی برخوردار است، میتواند موجودیک جنبش وسیع گشته و پشتیبانی موثر و کارآیی را از مبارزات مردم کشورمان سازمان دهد. دفاع از تمامی حقوق دمکراتیک و در راست آنها دفاع از زندانیان سیاسی ایران عرصه چنین مبارزه ای است. مبارزه ای که در موقعیت حاضر با بدبیش از هر زمان مورد توجه جنبش خارج از کشور قرار گرفته و بر آن متمرکز گردید.

برای برپائی و پیشروی این مبارزه، شرکت گسترده و متحدتوده مهاجرین آزادیخواه ضروری است و این امر از طریق تشکیل "کمیته‌های ضداختناق" برای دفاع از آزادیهای سیاسی و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی جهت مبارزه برای آزادی و حقوق زندانیان سیاسی، متحقق می‌شود. چرا که این تشکلهای که حول خواسته‌های مشخصی شکل می‌گیرند و بشیوه ای دمکراتیک کار می‌کنند مجال فعالیت را برای همه ایرانیان آزادیخواه فراهم می‌کنند. جلب عنا و نیروهای مترقی و دمکرات کشورهای نیز با جهت شرکت و عضویت در این کمیته‌ها شرایط تحقق بخش اصلی اهداف این مبارزه را که همانا کسب پشتیبانی افکار عمومی بین‌المللی برای آزادی در ایران و علیه حکومت فقها است، تا مین می‌کند. اگرچه اقدامات افشاگر و دفاعی در این زمینه در موارد معین و مشخص برجسته و فعال می‌شود اما بعلمت باید افزودن و تعدد مسائل مطرحه، خملت داشمی به کار این تشکلهای می‌دهد. در مورد دفاع از زندانیان سیاسی باید توجه کرد که اولاً دفاع ما از زندانیان سیاسی همچنانکه به رهبا گفته ایم فارغ از تعلقات ایدئولوژیک و حزبی آنها بوده و در برگیرنده همه زندانیان سیاسی و شامل آندسته از کسانی هم که بدلائل مذهبی در بند هستند می‌شود. ثانیاً دفاع ما تحت شعارهای اساسی آزادی زندانیان سیاسی، قطع شکنجه و اعدام صورت می‌گیرد. ثالثاً ما از کلیه مبارزات زندانیان که برای بهبود شرایط زندگی در زندانها صورت می‌گیرد حمایت می‌کنیم.

با شدت در شرایطی که نفسهای رژیم شکست خورده اسلامی بشمارش افتاده و می‌کوشد با طرفین پذیرش آتش بس، فرصت‌هایی بدست آورد و از سوی دیگر برای کنترل اوضاع دست به جنایت علیه زندانیان سیاسی می‌زند، همسوی با مبارزات توده‌های خلق مبارزه بیکپارچه ای را پیش ببریم و روند سقوط و روبه نابودی رژیم فقها را تسریع کنیم.

است، این اقدام بمعنی ملح با ایدار و بطریق اولی ملح دمکراتیک نیست. مذاکرات ژنودر مورد سرنوشت جنگ که در برگیرنده موضوعات و مسائل بس پیچیده‌ای می‌شود در کانون اخبار و فعل و انفعالات سیاسی قرار گرفته و احتمالاً به عرصه کشمکش‌های سخت و طولانی تبدیل می‌شود. دبیرکل سازمان ملل که سرپرستی مذاکرات را بعهد دار و جزء خوشبین‌ترین افراد نسبت به آینده جنگ ایران و عراق است، پیش‌بینی کرده که این گفتگوها ممکن است سالها بطول انجامد. بهر صورت هما نظر که این جنگ به مردم دو کشور تعلق نداشت، مذاکرات و طرفیندهای رژیم در مقطع کنونی هم نمی‌توانند در جهت صلح مورد نظر مردم باشد. بنا بر این توده‌های مردم که بحق با بدبینی و عدم اعتماد به ژست ملح‌خواهان رژیم برخوردار می‌کنند، در این شرایط با طرح شعارها و خواسته‌های روشن در مورد صلح دمکراتیک و پایداری که مبتنی بر نفی الحاق طلبی و فراموشی و تا کید بر تضمین حق تعیین سرنوشت ملت‌ها است، تعرض خود را در مبارزه علیه جنگ و علیه حکومت اسلامی سازمان می‌دهند. لذا جنبش خارج از کشور نیز برای اینکه بتواند همگامی خود را با مبارزات ملح طلبانه مردم میهنمان عملی کند می‌باید بر همین شعارها تکیه کرده، و فضا لیت‌های خود را حول آنها سازماندهی کند. در کنار این مبارزه بسیاری ملح دمکراتیک دو موضوع دیگر که رابطه مستقیمی با جنگ و پیروسی کنونی آن دارند عبارتند از خروج نیروهای نظامی از منطقه و بطور مشخص از خلیج فارس و مسئله حمایت از حقوق خلق کرد که زیر شدیدترین فشارها و مخاطرات انتقام‌جویانه قرار دارند ما باید با طرح این شعارها حضورتجا و زگرانه امپریالیسم آمریکا و متحدین ناتوی آن را که به بهانه جنگ طلبی فقها گسترش یافت با تمام قوا افشا کنیم و همچنین از حقوق خلق کرد که در هر ساعت و باخت مربوط به جنگ مورد فشار و تفتیح قرار می‌گیرد، دفاع نمائیم. واقعیت آنست که مبارزه برای صلح دمکراتیک بدون مبارزه با امپریالیسم و مبارزه برای دمکراسی و بدون دفاع از جنبش خلق کرد معنی واقعی و کارمل خود را پیدا نمی‌کند. خصوصاً این دو شعار در سطح جنبش خارج از کشور بدلیل تا شربس افکار عمومی بین‌المللی کارآیی ویژه ای دارند. مسئله اساسی و پراهمیت دیگر، اخناق و سرکوب حقوق و آزادیهای دمکراتیک است. این موضوع در شرایط کنونی هر چه بیشتر به جلوه صحنه مبارزه توده‌های کشیده می‌شود. مبارزه برای دمکراسی و آزادیهای بی‌قید و شرط سیاسی که از هم وظائف مبارزاتی است، در وضعیت کنونی آنچنان نقش و جایگاه در مبارزات جاری پیدا می‌کنند که همچون

ادامه از صفحه ۱

## علیه شکنجه و اعدام ، به دفاع از جان زندانیان سیاسی برخیزیم !

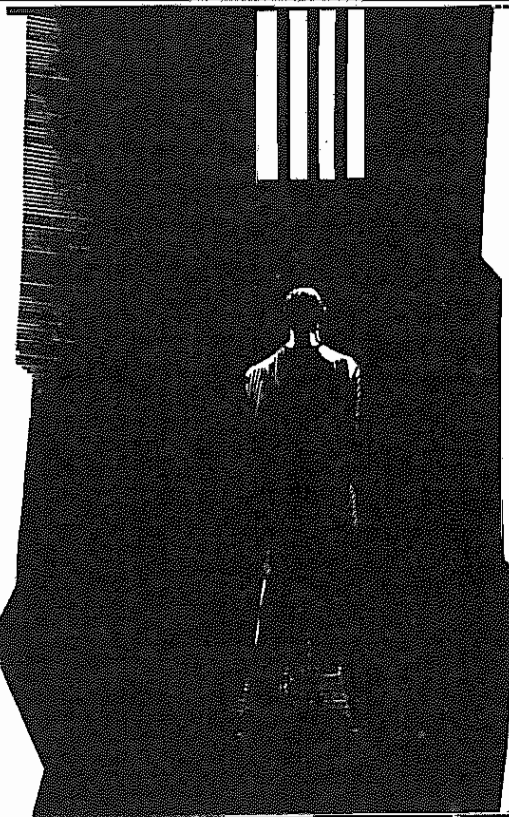
رژیم جمهوری اسلامی مثل هر رژیم جنایتکار و تروریست دیگر بخاطر شکست در مقابل شعری توده ها — خواهی که اعدای ما را ، زندانیان سیاسی ، از توده ها انتقام بگیرد و شیرینی پیروزی توده ها را علیه جنگ که شیشه عمر رژیم فقها به آن بسته بود ، در کمانشان بدل به زهرنما بد ، اما غافل از اینکه مردم ما تجربه بزرگ انقلاب و قیام پیروز مند بهیمن را فراموش نکرده اند ، آن زمان نیز رژیم شهبکار شاه ، در آستانه فروریزی ، طرح کشتار جمعی زندانیان سیاسی را ریخته بود ، که با یورش سبیل آسای توده ها ، آرزوهایش درنا بودی زندانیان سیاسی ، بیگانه های انقلاب ، برپا در رفت ، حال آنکه مردم کشورمان ، کارگران و دهقانان ، زنان ، مردان و جوانان ، برادران و خواهران ، شوهران و زنان و فرزندان اسیر قهرمان خود را در چنگال دژخیم تنها رها نخواهند کرد .

اخبار رسیده در هفته های گذشته حاکی از آن است که رژیم جنایتکار و تعدا دژ خالی از زندانیان سیاسی را تیرباران کرده و نقشه های اهریمنانه ای برای کشتار بیشتر زندانیان سیاسی ، در سر دارد . بدین وسیله حکومت می خواهد از توده ها انتقام گرفته و مرعوبان سازد ، رژیمهای ایران و عراق برای آزادی اسرای جنگ خارجی خود زیر نظر سازمان ملل در حال چانه زدن هستند ، مردم کشور ما اما برای آزادی فرزندان اسیر خود در جنگ خانگی ، با بدبیدی و ارتجاع پیروز گردیدند ، نه قطع — نامه های رنگارنگ و نه چانه زدنهای پشت میز مذاکرات در سازمان ملل بهبودی در سرنوشت اسرای ما ، زندانیان سیاسی ، بوجود نخواهد آورد ، آتش بس و مذاکرات مال جنگ آنهاست . جنگ ما و آزادی اسرای ما تنها با درهم شکسته شدن کامل رژیم ارتجاعی اسلامی به نتیجه خواهد رسید ، با بدعوه را بیشتر از پیش بر رژیم اسلامی تنگ تر کنیم ، با بدطمان با در راه هر چه محکمتر بر گردان و بکشیم تا ثقل ندهیم افعی دندان در آورد . " برای آزادی زندانیان قهرمان با بدبیری رژیم جنایتکار اسلامی پیروز شویم ، این تنها راه واقعی آزادی اسرای ماست ، در این راه نه دولتهای امپریالیستی و نه نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل ، بلکه انقلابیون ، آزادبخواهان ، و بشردوستان جهان در طرف ما هستند ، برای برپائی کارزار جهانی علیه اختناق و سرکوب در ایران دست در دست هم بپیش ! اکنون که انحمارات جهانی برای بلعیدن ذخایر ما ، پناهنده کشورمان مفد کشیده دهان گشوده اند ، اکنون که رژیم اسلامی برای بازسازی ارتکان رژیم درهم کوفته اش در تلاش مظلوم نمائی و فعال کردن دیپلماسی خارجی خود است ، بهترین فرصت برای افشای هر چه بیشتر چهره جنایتکار و ضد بشری او فراهم آمده است ، با ایجا دکمیته های دفاع از زندانیان سیاسی ، علیه اختناق و سرکوب در ایران و آکسیون های فعال و افشاگرافکار عمومی را متوجه کشتاری که پس از جنگ در جریان است سازیم ، با بدبازی طریق جلب همکاری و همبستگی مردم کشورها می که بصورت پناهنده و آواره در آنجا زندگی میکنند ، ما شغرتیون را تقویت رژیم جنایتکار اسلامی توسط دولتهای پناهنده گردیم ، تاجرب مبنای رزه پناهندگان و مهاجرین یونانی ، ترک ، شیلیائی و ... علیه دیکتاتوریهای وحشی نظامی خود پیش روی ماست ، به پیش ! موفقیت از آن ماست !

### ترکهای بنیادگرا

### برای سفارتخانه های رژیم جاسوسی می کنند

اخبار سفارت رژیم جمهوری اسلامی ایران در آلمان فعالیت چتمگیری زاد در میان ترکهای بنیادگرا و سنتی شروع کرده است ، عناصروا بسته به سفارت ایران ترکهای مهاجری را که نسبت به رژیم اسلامی و شخص خمینی سمپاتی دارند به سفارت ویا خانه های آنها از آن ( همان خانه های ایران سابق که محل ملاقات تروریست های خمینی بوده و توسط مجله اشترن افتاء شد ) دعوت میکنند ، از آنها انواع همکاری ها طلب می شود ، این همکاریها شامل معرفی فعالین اپوزیسیون رژیم ، فعالیت و ارتباط به نفع گروه های مذهبی و مسلمان ترکیه ، جذب عناصرو مزدوران جدید به خانه های آنها از آن ، می باشد ، به برخی از این ها " کمک مالی " نیز داده می شود ، رژیم اسلامی برای فریب ترکها و استفاده از آنها آگاهی آنها اقدام به ترجمه آثار شرعیتهای به زبان ترکی استانبولی کرده است و این کتابها را وسیعاً در مطافل ارتجاعی و مذهبی ترکها پخش میکند ، مواردی از تشقیب و مراقبت ایران در میان رزگه توسط همین ترکهای فریب خورده انجام می گرفته نشا هده شده است ، رژیم تعدا دی از این فریب خوردهگان را نیز بسز برای جنگ با دولت افغانستان را می طوف مجاهدین افغانی می کند .



### هنر در چنگال فقها

جمهوری فقها برای هنر و فرهنگ ————— ،  
فغانی باز " ایجا دمی کند تا مدحش را گویند و به فرقی  
می گوید و به زنجیرش می کشند ، آنگاه که از آن حساس  
خطر کنند ، با بهروایتی دیگر فقها در این عرصه نیز  
به سان دیگر عرصه ها اعلام می دارند : آزادید ، خلق  
کنید و بسا زید تا آنجا که من می گویم .  
و در این رابطه است که فیلم خیرا به چنگ  
فقها کشیده شده است ، چندین پیش اصل بر این استوار  
بود که فیلمساز برای تهیه یک فیلم سنا ریورال —  
وزارت ارشاد برده و اجازه لازم می گرفت ولی پس  
از مدتی که فیلم تهیه می شد عملاً در برابر وزارت  
ارشاد قرار می گرفت ، چرا که او یکبار اجازه آن را  
ما در کرده بود و طبیعی است که می بایست پروا نسه  
شما پیش نیز ما در کنند ، بر این اساس در پی گیر کردن  
چند فیلم در چنگال وزارت ارشاد دکه نمی خواست  
برایشان پروا نه اجرا ما در کنند و با کارگردان تن  
به سان سوراخ شده نمی داد ، وزارت ارشاد به این  
نتیجه رسید که بهترین شکل کار را عوض کند ،  
در نتیجه خیرا اعلام شده که فیلمها تنها در صورت  
حاضر شدن برای مدور پروا نه نمایش با بدب —  
وزارت ارشاد آورده شود ، بهروایتی دیگر تهیه —  
کننده و کارگردان با بدحد اقل ۵۰ میلیون تومان  
خرج بکنند و فیلم را حاضر گردانند ، آنگاه به سرای  
اجا نه نمایش خدمت فقها تقدیم دارند ، با این  
حساب که شاید هیچوقت مجوز نمایش نگیرد ، و این  
یعنی رنگ خطر برای تمام کارگردانان و تهیه  
کنندگان است که نمی خواهند هنر خویش را به مدبچه و شکر و  
سپاس جمهوری فقها تبدیل کنند ، از طرف دیگر این  
خود دمی است تا نویسندگان سنا ریورال کارگردان  
و تهیه کننده را به خود سنا ریورال بکشاند ،

## مرگ ژنرال ضیاء و پیامدهای آن در پاکستان

رهنمودهای مخفیانه‌ها زمان سیاه در ۱۹۷۷ دست به کودتای نظامی می‌زند که تقریباً بدون خونریزی و با موفقیت کامل به انجام می‌رسد. ضیاء الحق در کسوت رهبر کودتا چنان، ذوالفقار علی بوتورا دستگیر و پس از مدتی اعدام می‌کند، بهار لمان را منحل نموده و فعالیت احزاب سیاسی را ممنوع اعلام می‌کند، فعالیت اتحادیه‌های کارگری را شدیداً محدود می‌نماید و عناصر کمونیست و انقلابی این اتحادیه‌ها را عموماً در می‌کند، جا مساقی رهبر حزب کمونیست پاکستان و جمعی دیگر از زندانیان به‌ترین رهبران سیاسی کشور را به اسارتگاه‌ها می‌فرستد و بدین ترتیب مهرپایان بر بقای آزاد دیهای نیم‌بند بورژوازی می‌زند و رسالت نجات پاکستان از چنبره بحران عمیق اقتصادی و سیاسی را سرلوحه اهداف کودتا معرفی می‌نماید.

اما بی‌شک ژنرال ضیاء الحق در یک نقطه همتای کودتاچی اش در اقصی نقاط جهان تفاوت داشته است و آن اینک، در کناره‌ها رت حل "هرج و مرج" و بحران، شعار اسلامی کردن جامعه پاکستان را نیز سرمی‌دهد و از این طریق با تحمیل عقب مانده‌ترین لایه‌های سنتی جامعه و تحکیم نقاب سبز قدامت‌گرا، خود را رهبری اسلامی جلوه‌گر می‌سازد که عاری از هرگونه تمایلات منفعتمطلبانه و چاکری نزد بیگانگان از خدا بی‌خیر است، در همین راستا و رسماً پاکستان را جمهوری اسلامی معرفی می‌کند و گام‌هایی جهت اجرای آنکداری اسلامی و سببتم قضا بی‌اسلامی بر می‌دارد، او با همیمنان اقدامات تحمیلی گرانه‌شوا نسبت به بخش قابل توجهی از توده‌های مردم را دچار بی‌تفاوتی سیاسی نمایی و تا حدودی از باطن بحران سیاسی و "هرج و مرج" بکا هد، و در پس همین نقاب اسلام‌نمایی بود که بعد از سرنگونی داوود خان در افغانستان و بقدرت رسیدن حزب دمکراتیک خلق به استوارترین و مهمترین متحدان انقلابیون افغانی تبدیل می‌شود، تا آنجا که می‌توان ادعا نمود در صورت عدم مساعدت رژیم ضیاء الحق به مجاهدین افغانی و عدم اختصاص اردوگانهای نظامی و آموزشی به آنها در پیشاور، هیچگاه این مزدوران امپریالیسم قادر نبودند چنین ترکش‌های کشنده موجودیت رژیم ترقی‌خواه افغانستان را به‌مخاطره‌اندازند.

حوادث و تحولات افغانستان نیز آمریکا و سایر متحدان را هرچه بیشتر متقاعد نمود که رژیم ضیاء آبی مهره‌ها را در دست که می‌توانند جلوسوی

"توسعه طلبی شوروی" (بخوان گسترش انقلابات) در منطقه را بگیرد، از اینرو سیل کمک‌های میلیاردری و انواع کمک‌های اقتصادی و نظامی به پاکستان سرزیر می‌شود، سیل کمکهای ارتجاع جهانی به مجاهدین افغانی نیز از طریق پاکستان عمدتاً ما بین آنان توزیع می‌شود که با عملاً عموماً در اختیار ائتلاف هفت‌گانه مستقر در پیشاور (خصوصاً حزب اسلامی گلبدین حکمتیار) قرار می‌گرفت که این خود منبع فساد و ارتشاه عظیمی بود که تنها امرای ارتش پاکستان و دارو دسته‌ها و حوش ضیاء الحق از آن سود می‌جستند.

روند اسلامی کردن در پاکستان جزئی از استراتژی امپریالیسم آمریکا در منطقه است که توسط کارتر رئیس‌جمهور سابق آمریکا چنین فرموله شده است: "کشیدن کمربند سبز به دور غول سرخ" و منظور از آن همانا محاصره اتحاد شوروی با یکسری از کشورهای اسلامی است که علاوه بر سرما به‌گذاری بر جمهوریهای "مسلمان" شوروی می‌باشد جبهه "خدا را در مقابل غول کافر زمان دهد.

ژنرال ضیاء دقیقاً بنا بر این استراتژی ارتجاعی می‌شود، البته نباید مدعی شده که روند اسلام‌گرایی ضیاء الحق صرفاً با هدف فریب توده‌ها صورت می‌گرفت چنین نیست، او به این مسئله عمیقاً اعتقاد داشت و تنها قضا نبایید ما بین خدمت‌گذاری او به امپریالیسم و اسلامی کردن حیات اجتماعی پاکستان جستجو نمود، چرا که از نقطه نظر اصولی اسلام، سنت‌گرایی و "بنیادگرایی" اسلامی می‌تواند بدین‌گونه‌ای بخشی از بورژوازی محسوب شود و با درست‌تر توسط این بورژوازی مورد استفاده قرار گیرد. مجاهدین افغان و فقه‌های شورای نگهبان (ایران) تنها نمونه‌هایی از این مدعا هستند.

رژیم ضیاء الحق پس از تشبیه نسبی اوضاع (همچون متحد دیگرش در پیمان آرسی. دی یعنی ترکیه) اعلام می‌کند که در مدد برچیدن حکومت نظامی، سپردن قدرت بدست یک دولت غیرنظامی و فراخواندن بهار لمان است. و این اقدامات را به تدریج عملی می‌کند مشروط به اینکه اولاً کابینه و پارلمان از سیاستهای او پیروی کنند و ثانیاً روند اسلامی کردن جامعه متداوم می‌باشد. در این راستا خود بر مسند پست ریاست جمهوری تکیه می‌زند و جوینجو رهبر حزب "مسلم لیگ" را به مقام نخست‌وزیری منصوب می‌کند. در دوران زمانه‌های دولت جوینجو، جوخه‌های وابسته‌های حاکم بر کشور کم‌رنگ می‌شود، اکثریت رهبران احزاب سیاسی از جمله جام ساقی آزادی می‌شوند، بی‌نظیر بوتو (دختر ذوالفقار علی بوتو) رهبر حزب مردم پاکستان (از تبعید انگلیس به پاکستان) مراجعت می‌کند، و برخاسته از ادبیات دمکراتیک بصورت نیم‌بند احیاء می‌شود. یکی از دلایل این "تغییرات سیاسی" با ج‌دهی به مردمی بود که از حضور فدا انقلابیون افغانی در خاک پاکستان و حمایت همه‌جانبه دولت از آنها به‌تنگ آمده بودند و اینجاست و آنجا مخالفت‌های خویشتن را

ابرازمی‌داشتند. ضمن اینکه فساد آمریکا بر رژیم پاکستان مبنی بر ضرورت کاهش جنبه قهری حکومت (جهت جلوگیری از رادیکالیسم شدن جنبش توده‌ای) را نیز با بدیه عنوان یکی از عوامل مهم ذکر نمود. در این میان "جنبش اعاده دمکراسی" که تقریباً اکثریت احزاب مهم مخالف دولت را در بر می‌گیرد و نیروی عمده آن حزب مردم پاکستان (P.P.P) می‌باشد، با افشاگریهای مداوم خویش، چهره رژیم ضیاء را بعنوان یک حکومت نظامی در انتظاری بین‌المللی افشاء می‌نمود و تا حدودی فشار زمین - آسمانی را بر حکومت ضیاء جهت پایان دادن به حالت فوق‌العاده تشدید می‌کرد. این روند عادی سازی در سالهای اخیر غمگینانه‌ها را پیدا کرده و هم اکنون بسیاری از حکومت‌های نظامی آسیا و آمریکا را لاتین بسوی استقرار رژیم‌های غیرنظامی به پیش می‌روند. روندی که نمونه آنرا می‌توان در ترکیه و تا حدودی کره جنوبی مشاهده نمود که محصول ارزیابی جدید امپریالیسم برای نجات رژیم‌های وابسته از "خطرات احتمالی" می‌باشد.

به‌هر حال این قرعه در پاکستان بنا بر حزب مسلم لیگ در آمدت پای با شد جهت انتقال حکومت نظامی به یک رژیم غیرنظامی. وقتی این ما موریت کذایی بر سر رسید، جناح ژنرال ضیاء فیلش یا هندوستان می‌کند و به بهانه پیش‌رفت سیاست اسلامی کردن جامعه و عدم پایان یافتن درگیری‌های قومی (خصوصاً در کراچی ما بین مهاجرین و پختون‌ها) محمدخان جوینجو رهبر مسلم لیگ را از پست نخست‌وزیری به‌زیر می‌کشد (اواسط همین سال میلادی) و با اعلام برگزاری انتخابات مجلس ملی طی ۹۰ روز آینده و تا یکدیگر مجدداً اسلامی کردن شما می‌شوند تا جامعه، با ردیگر قدر قدرتی خود را که از نفس گرم ارتش بر می‌خیزد، به معرض نماش گذاشت.

البته برکناری جوینجو بعنوان سازمان - دهنده معاهده صلح و نمودن رابطه با حل مسئله افغانستان، ظاهراً منجر به پس‌گرفته شدن این پیمان توسط ژنرال ضیاء نشده بود، چرا که او بخشی واقف بود که یکی از عوامل تشدید بحران اقتصادی و سیاسی پاکستان همانا حضور ۳/۵ میلیون آواره افغانی در خاک این کشور می‌باشد. ضمن اینکه توده‌های زجر کشیده پاکستانی خواهان خامه همکاری و مساعدت به مجاهدین افغانی هستند. از این رو اصلاح‌رادر این می‌دید که غائله افغانستان هرچه زودتر با پایان پذیرد، هرچند اعتقاد داشت که این امر تنها با خروج نیروهای شوروی و به‌زیر کشیده شدن حزب دمکراتیک خلق امکان پذیر است.

به‌هر جهت ژنرال ضیاء این مهره‌ها را ارتجاع جهانی که اکنون به‌دیار نیستی روانه گردیده پاکستان را عملاً بر سر یک دوراهی تعیین‌کننده قرار داده است. با ارتش برای تشبیه اوضاع تا بسا ما اقتصاد و سیاسی وارد کارزار خواهد شد و بقیه در صفحه ۶

سنون آزاد

نقد تاثیر

اجرائی زیبا از يك اثر برشت

اجرا : توسط گروه تئاتر "رک" در شهر کلن آلمان  
کارگردان : یعقوب شکوری

"این کاری نیست که از تارتنتها معرفت و تما و پرفراوانی از واقعیت طلبیده شود، تئاتر با بدشور معرفت را در انسان بیدار و شوق تغییر و واقعیت را در او ایجا دکنده. تما شاگردان نبایند تنها شنونده باشند و بشوند که چگونه پرومته از بند آزاد می‌گردد. آنان با بدشورها نباید او را بیاموزند. این شور و شوقها بی که مختص مخترا ن و کاشان و این احساس نیرومندی که از آن منجیان است با پیدا ظرف تا تربیه آنها تعلیم داده شود."

برشت

نمایشنامه "آنکه گفت آری و آنکه گفت نه" در اصل دو نمایشنامه از نمایشنامه‌های آموزشی برشت است که در سال ۳۰-۱۹۲۹ یعنی در بحبوحه بحرانهای جهانی سرمایه‌داری از یکطرف و رشد روزافزون اندیشه‌های سوسیالیسم که آنزمان استالین هدایتگر آن بود، نوشته شده است. این نمایشنامه برداشتی است از شیوه‌های تاتری آسیا (ژاپن و چین) که اساس سبک برشت را پی می‌ریزند و توسط او "نو" می‌گردند و به "تاترنو" مشهور می‌شود. تاتری که همه چیز آن نسبت به تاترهای قبلی فرق می‌کند، همه چیز آن عجیب است و برای انسان بیگانه و غریب، "بیگانه‌نگی" و "غرابت" (۱) مفهومی مشخصه است از کارهای برشت. صحنه خالی است به جای دکور و بزار ساده‌ای استفاده شده که تماشاگر می‌تواند احساس کند آن چیست، لباس و گرمی آن نیستند که در نمایشهای قبلی وجود داشتند و حاشیه نیز بدان صورت اتفاق نمی‌افتد که در نمایشهای گذشته، هم‌این "بیگانه‌سازی"ها ایجا می‌گردد تا تماشاگر در نمایش غرق نگردد، بلکه نظاره‌گر آن باشد و به نقد آن بنشیند.

موضوع نمایش: "آنکه گفت آری"

شهر کوچکی (این شهرها می‌توانند باشد) بیماری واکیری شیوع می‌یابد. در آنسوی کوهستان شهری دیگر وجود دارد که با دزها بیسن بیماری و همچنین اطلاعاتی در رابطه و مقابل با آن را در آنجا می‌توان یافت. رفتن و رسیدن به آن شهرکاری است خطرناک و دشوار. آموزگاری با چند دانشجو تصمیم به این کار می‌گیرند. دانش آموزی که مادرش نیز بیمار است با اصرار همراه آنان می‌رود. در راه دانش آموز بیمار می‌گردد و از این رو در پیش روی جمع اخلال بوجود می‌آورد. طبق آئین مقدس "فرد باید هم‌انجا مانده، دیگران به راه خویش ادامه

دهند. پس از تذکراتین آئین به دانش آموز، او موافقت خویش را با آن اعلام می‌دارد و به تقاضای وی به قعر دره انداخته می‌شود و دیگران به راه خویش ادامه می‌دهند. بدینسان نمایشنامه آنکه گفت آری پایان می‌پذیرد.

نمایشنامه دوم یعنی "آنکه گفت نه" در اصل همان نمایشنامه "آنکه گفت آری" است با این تفاوت که انگیزه سفر اینبار نه آوردن دارو برای بیماران، بلکه تحقیق در مورد بیماری است و آنگاه که دانش آموز در بین راه بیمار می‌گردد، هم‌زمان "آئین مقدس" را به او یادآوری می‌کنند و وی موافقت خویش را با آن اعلام می‌کند و جواب می‌خواهد که چرا هر کس قدم اول را بردارد باید قدم دوم را نیز بردارد. بخصوص آنگاه که دریا با قدم اول شبیه بوده است. و بدینوسیله او را همراهانش می‌خواهد که در شرایط تازه، فکرتا زهای باید بکنند "او و را به خانه‌هاش برگردانند."

اجرای نمایش: "گروه رک" این نمایشنامه را بعد از دو شب در سالنی اجرا کرد که هیچگونه غرابتی با سالن نمایش نداشته. در ابتدای ورود، تماشاگر این راه خوبی احساس می‌کرد و متعاقب آن فوراً این نکته به ذهن خطور می‌کنند که "مکانات لازم پول کافی می‌خواهد". وی این مسئله‌ای نیست که تماشاگر در پایان نمایش بر آن انگشت گذارد. چرا که او لا یکی از ویژگیهای تئاتر برشت، انطباق با محیط است. این محیط می‌تواند حتی خیابان و یا گوشه‌ای از یک کارگاه باشد. (حذف دکورهای سنگین و جایگزین کردن ابزارهایی که هر یک نشان از یک "قرارداد" دارد. "قرارداد"ی که تماشاگر آنرا درک و قبول می‌کند. چهارچوبی به جای در، میز به نشان از کوه و ... در نشان گروه با بسازی فضای داخل به اصطلاح سالن توانسته بود این دیدار تا اندازه‌ای تنزل دهد، و تا زده "قرارداد"های نمایش برشت چرا مسئله سالن تا تر "قرارداد"ی نباشد؟ امری که صورت پذیرفت و تماشاگر از این "قرارداد" نا راضی نگردد.

"غرابت" و یا "بیگانه‌سازی" در لباس، صحنه، حرکات و بخصوص ماسک از کارهایی بود که می‌توان گفت کارگردان در انجام آن موفق بوده است. این ابزار، این موفقیت را داشتند تا شما شاگردا در نمایش غرق نکنند، او را بر موندلی بنشانند تا نظاره‌گر باشد و ببیند و نتیجه بگیرد در اینکه چگونه با بدشورها، چگونه با دیگرهای را گذرد که از همان ابتدای نمایش، با هم‌راهی اعلام می‌گردد. آموختن راه موافقت، عدم استفاده بیشتر از نور و ضعفهایی است که می‌سی -

نمایش  
آنکه گفت آری  
و  
آنکه گفت نه

نوشته: پروتوت برشت  
کارگردان: یعقوب شکوری



مکان: Alta Feuerwache  
Mühlbacher Straße 3 ۵۰۰۰۰ Dornum  
زمان: ۲۸ و ۳۰ ژوئن (June) ساعت ۲۰  
تورونیه: ۸۳۶ مارک

توانست اجرا را غنی تر گرداند. استفاده از موزیک زنده در طول نمایش بجا و لازم بود ولی تنوع آن می‌توانست تا شریبشتری بجای گذارد. گروه می‌توانست در کنار موسیقی زنده، از طریق ضبط، از نواهای دیگر نیز استفاده کند. هر چند نوازنده (آلمانی) زحمت بسیار رکشیده بود، بخصوص آنگاه که همسراییها اکثر رنگ‌ها را می‌داشت. قابل ذکر است که در همین زمینه موسیقی همخوانی از تنظیم زیبایی برخوردار بود، تا بلوهای که به جای کوه و آسمان قرار داده شده بودند، برداخت خوبی داشتند و استفاده از ماسک در "بیگانه‌سازی" تا شریبشتری داشت. از چندا شبیه کوچک حیسن بازی که قابل گذشت است و بگذریم، تسلط بازیگران بر نقش حکایت از تمرین زیاد آنان و زحمتی بود که در این راه متحمل شده بودند. حرکات زیبای آموزگار، بخصوص در حین تغییر نقشها جالب بود. در آن میختن و استفاده از استاره‌های حرکتی و "قرارداد"هایی که رنگ و بوی فرهنگ ایرانی داشت، نمایش را جذابتر کرده بود. به نظر می‌رسد که اگر کارگردان در این زمینه بیشتر کار کند و تلفیقیهای بیشتری کشف نماید می‌تواند در کار خویش موفق تر گردد. لازم است اینکار بر بررسی عمیقتر و همه‌جا نبه تر در هنر کلاسیک و فلکولریک ایران است. ترجمه زیبای همسراییها از دکتر مطفی رحیمی را نیز نباید در این اجرا از نظر دور داشت. در کل می‌توان گفت گروه اجرای موفق و زیبا را شده‌اند.

برگزاری جلسه نقد و بررسی نمایش از سنتهای به جا و خوبی است که در پایان نمایش گروه به آن اقدام نمود. این سنت را با بدزنده نگه داشته، بسط داد. مسئله آخری که شاید برای خیلی از تماشاگران مطرح شده باشد، انتخاب نمایشنامه است. برشت سعی دارد در نمایشنامه‌های خویش وقایع زمان را محکم کند و از این طریق آثارش به عنوان

ادامه از صفحه ۴

### هوک ژنرال ضیاء . . .

مجددا قدرت سیاسی را بنام جلوگیری از بروز هرج و مرج تصرف خواهند نمود، و با بلکس روند واقعیه گونه ای پیش رود که یک حکومت پارلمانی بورژوازی (با تعهد بنسبت به رعایت آزادیهای دمکراتیک) برکارتد، هم اکنون "غلام سحاق خان" رئیس مجلس سنا، رهبری موقت رژیم را در دست گرفته است. این شخص جزو راست ترین جناحهای مجلس سنا محسوب می شود قبلا در حکومت بوتو، پست وزارت دارایی را عهده دار بوده است. (گفته می شود که او در همان زمان روابط مخفیانه و مشکوکی با ژنرال ضیاء داشته است). در صورت تحقق شق دوم با دیدگاه چه حزبی عملا شانس آنرا در دهه با جلب رفای آمریکا و ارتش پاکستان زمان ما مورد دست گیرد.

بی شک در سرزمین اختلافات ملی و مذهبی، و در سایه حضور و نفوذ احزاب سیاسی ریزودرشت، هنوز چیزی را نمی توان سراغ گرفت که بتواند سلطه بلانمازع خویش را بر حیات سیاسی کشور اعمال کند. اما به هر حال "حزب مردم" خانم بینظیر بوتو را شاید بتوان برنده اصلی دانست. این حزب بیانگر منافع بورژوازی لیبرالها می باشد که البته شعارهای پراگماتیستی و به ظاهر انقلابی را نیز با خودیدک می کشد. هم اکنون بخشی از محافل غربی بر روی بینظیر بوتو بعنوان کینوی پاکستان سرمایه گذاری کرده اند، و خود و نیز داکتر شامیک پایش در اروپاست و تلاش زیاد برای میدارند تا خود را بعنوان یک دوست قابل اعتماد، به آمریکا بقبولانند.

سایر احزاب سیاسی را می توان به چند دسته تقسیم نمود:

۱- احزاب گوناگون اسلامی: که عبارتند از حزب جماعت اسلامی - مسلم لیگ جمعیت طلباء اسلام - جنبش فقه جعفری (که با جمهوری اسلامی ایران مرتبط است و رهبران آن اخیرا در پیشا و رتورور شده است) - حزب علمای پاکستان - سازمان محصلین اما میه - سازمان سواد اعظم . . .

هنگی این جریانها ارتجاعی می باشند و از اسلام آمریکا تا بنیادگرایی پان اسلامیتی را یکدک می کشند. این احزاب اگر چه بر پایه های مذهبی مردم تکیه دارند و تا حدودی نقش مخرب دارند اما در حیات سیاسی کنونی پاکستان و زنده مهمی بشمار نمی آیند.

۲- احزاب لیبرال و لیبرال - دمکرات: که شامل احزابی همچون حزب استقلال پاکستان (به رهبری فرمانده سابق نیروی هوایی که روابط حسنه ای نیز با دولت افغانستان دارد) - حزب عوامی ملی (بر رهبری ولی خان که عمدتا شامل پختونهاست و با دولت افغانستان روابط نزدیکی دارد) - حزب ملی (بر رهبری بهیونج و زبیر

یک هنر، نبض زمان خویش است. پس از تمامای "نگه گفت آری و آنچه گفت نه" برای تمامای سئوالات زیادی مطرح می شود که ما مجبور است تا در جوابش به ذهن خویش فضا را آورد، ولی آیا این سئوالات در این شرایط "نبض زمان" و جنبش ما ست؟ برای پاره ای از خراج نشینان شاید ولی طبیعی است نه برای همه در کل، انتخاب نمائش به مسئله ای است قابل بحث.

### سخنی و دردلدلی دوستانه در پایان

هنرا رسالتی است و هنرمند متعهد را وظیفه ای، هنر و هنرمند زاده زمان و شرایطی هستند که در آن می زیند. دردی که ما امروز به عنوان مهاجر می کشیم، دردی است که برشت چهل، پنجده سال پیش متحمل آن بود، و نیز مهاجر بود که نمی خواست به پیشه خود زین رو قلمش را بر علیه چاق زمان، یعنی فاشیسم بدست گرفته بود. طبیعی است که او از هنرمند پیرو خویش و همفکرش انتظار دارد که او نیز چون او چنین کند.

در کشور ما دیوچه و ناندانی، خرافه و ارتجاع حکومت می کند، رژیم که در بسیاری از ابعاد همان فاشیسم هیتلری است. فاشیسمی که اینبار علاوه بر همه، در لباس ارتجاع مذهبی عرض اندام می نماید. بسیاری از هنرمندان کشورتن به مهاجرت داده اند و عملا هنوز نتوانسته اند خود را و جا یگا خویش را به عنوان هنرمند متعهد و وظیفه ای که در شرایط جدید با پدا شده باشد، با زیابند، هنر دخال کشور نیز در غل و زنجیر است و بی هنران انواع بنجلها را به جای هنر به مردم غالب می کنند و عملا هنرمندان را غتیا رگذاشتن هنر خویش در خدمت خلق محروم است. هنر به زور خود را به پای خلق، برای گسب آزادی و سعادت پیش می برد و در این راه مشکلات عدیده ای دست گریبان است.

در محیط عصبی و بفرنجی که رژیم خلق کرده و هنرمندان با آن مواجه اند، کار هنری دشوار است. هر چند هنر در هر شرایطی ابزار رواسایل لازم را برای حضور خویش پیدا می کند ولی این کافسی نیست. رژیم جمهوری اسلامی با تکیه بر نهادهای حکومتی خویش سعی در جذب روشنفکران، بویژه روشنفکران هنری دارد. کاری که ابتدا از آن وحشت داشت ولی کم کم در این زمینه حتی توفیق هایی نیز بدست آورده است. او می خواهد هنرمندان ستایشگران وی باشند، در غیر این صورت چه بهتر که خاموش گردند. کجا؟ این دیگر بستگی به هنرمند دارد. گنج خانه یا چاه ریدیواری زندان، بهر حال مهر سگوت بر لب داشته باشد و نشو و نداد ز قدرت آفرینشگری و تجهیز گریش استفاده کند. یا قبول بندگی و پذیرش زندگی آرام و راحت با خلق آثار با بطنع ارباب و بی اغل و زنجیر و تازیا نه و اینجا ست که وظیفه "هنرمند مهاجر" مشخص می گردد. هنر در این عرصه و در این زمان با تار و پود خویش کشورمان هما و زو هم مشمول است. "هنرمند بقیه در صفحه ۸

اسبق حکومت خود مختار بلوچستان. این حزب عمدتا در میان بلوچها پا یگا دارد و وضعی را بواسط خوبی نیز با اردوگاسوسیا لیزم و دولت افغانستان دارد.)

علاوه بر این سه حزب با پدا ز "جنبش قوم مهاجر" نیز نام برد که عمدتا در میان اقلیت مهاجر (بیشتر شیعه) پا یگا دارد و بیشترین انرژی آن صرف در گیری با پختونها در کراچی می شود. این سازمان ارتجاعی توسط الطاف حسین رهبری می شود که گفته می شود روابط مشکوکی با پلیس مخفی پاکستان و سازمان سیادارد.

۳- احزاب و سازمانهای چپ و انقلابی: متاسفانه نیروهای کمونیست و دمکرات انقلابی در پاکستان از یک محدودیت تاریخی رنج می برند و هیچگاه در صحنه سیاسی کشور زنده مهمی بشمار نیامده اند. نفوذ این سازمانها را عمدتا با بدبه بلوچستان و برخی اتحادیه های کارگری خلاصه نمود.

حزب کمونیست پاکستان - سازمان محصلین بلوچ BSO (که اخیرا به دو جناح منشعب شده است و پرنفوذترین نیروی انقلابی و سیاسی بلوچستان محسوب می شود) - فدرا سیون ملی محصلین فدرا سیون دمکراتیک دانشجویان - سازمان آزادبخش بلوچستان (بر رهبری مینگل که شعار استقلال بلوچستان را سر می دهد) - جنبه آزادبخش بلوچ (بر رهبری خیر بخش مری) . . . از جمله ایمن سازمانها محسوب می شوند که با توجه به بحران اخیر حزب کمونیست و انشعاب در BSO بهترین می توان به ضعف و ناتوانی آنها در دهدهای روندهای انقلابی و سازماندهی کارگران و زحمتکشانی بی برد، نیروهای انقلابی تنها در پالت بلوچستان است که می توانند قدرت خویش را به نمایش گذارند و مانع از ترکنازی احزاب ارتجاعی و لیبرال شوند. حتی حزب کمونیست نیز عمدتا در پالت سند (که مرکز آن کراچی می باشد) حضور و فعالیت محدود دارد. با این وجود این حزب حتی در کراچی نیز بعنوان مهمترین و صنعتی ترین شهر پاکستان، و زنده چندانی محسوب نمی شود. بعنوان مثال جاما قی رهبران حزب در بهترین حالت توانست در یک اجتماع دوهزار نفره در محله بلوچ نشین لیاری در کراچی سخنرانی کند. اما در صورت کمونیستها و عموم نیروهای انقلابی پاکستان موظفند که با انسجام بخشیدن به صفوف خویش، با بزرگان پشوات و نحرافات راست روانسه و سکتاریستی، با گسترش نفوذ خویش در میان کارگران و زحمتکشان، اوضاع حساس کنونی را در پالت خود را از زمین امروز برای نبردهای سرنوشت ساز آماده کنند. بی شک در سایه این تلاش، پیروزی از آن آنها خواهد بود. ●

**با پیام کارگر همکاری کنید!**

## «اقلیت علیه آزادیهای بی قید و شرط سیاسی»

نشریه کارگران سچفا - (اقلیت) - در شماره ۲۲۳ خود نقدهای بسری شعرا و آزادی بی قید و شرط سیاسی مطرح کرده از سوی سازمان ما را منتشر کرده است که از نظر در برداشتن همه استدلالات رایج سوسیالیسم خلقی در شوریه کردن ناتوانی این "سوسیالیسم" در عدم دفاع از دموکراسی سیاسی بطور اخص و برنا مه حداقل پرولتاریا بطور اعم، خوانندنی است.

نویسنده مقاله، "راه کارگر" را متهم می کند که با آوردن "الفاظ کلی در باره دموکراسی، آزادی و غیره بی آنکه مضمون طبقاتی این کلیات روشن شود" تنها مفاهیم بورژواشی را تکرار کرده است! آنگاه ذکر می شود که با افزودن صفت "نامحدود" بر دموکراسی، هیچ تمایزی بین دموکراسی بورژواشی و توده ای توسط ما نهاده نمی شود و پرسش مهم "دموکراسی برای چه طبقه ای؟" بی پاسخ می ماند!

سپس نویسنده عا مدام ضمن قاطعی کردن مفاهیم "دموکراسی عا م" دموکراسی خالص و دموکراسی ناب با آزادی های بی قید و شرط سیاسی برای اینکه انصاف قطعی خود را از دفاع از هرگونه آزادیهای بورژوا دموکراتیک اعلام کرده و خواهاننده را از جهت مطمئن سازد، دشواری بدین شرح طراحی می کند که: "دوران دموکراسی بورژواشی که از جانب ستا یگران آن، "دموکراسی عام" دموکراسی ناب، دموکراسی خالص و غیره و ذالک نیز خواننده شده است مدتها است که به سر آمده است، همانطور که عصرها رلمانا نتا ریسیم بورژواشی نیز به پایان رسیده است." (کار ۲۲۳ - صفحه ۱۰ و ۱۱)

ما تصور نمی کنیم که تکرار اینکه کمونیستها از دموکراسی بورژواشی (آری بورژواشی!) و از همه مطالبات حداقل خود (که تماما بورژواشی هستند) در مقابل استبداد دوا شکل عقب مانده، "حاکمیت بورژواشی"، قاطعانه دفاع می کنند، مشکلی را از پوپولیست مغشوش ماحل کند، زیرا ناتوانی پوپولیسم ما در این است که حتی اگر تصور روشنی از دموکراسی توده ای و دموکراسی پرولتری نیز داشته باشد، هیچگاه نمی تواند درک کند که مطالبات بورژواشی - دموکراتیک می تواند اندر آن تحقق این دموکراسی عالی تر را بگشاید. برای پوپولیست ها، تنها محدودیت ها و مابعدیت ها و مابعدیت ها بورژواشی مهم است و نه کارکرد مشخص مطالبات دموکراتیک در انکشاف مابعد طبقه ای و به همین دلیل اینا ن برای سرپوش نهادن بر ناتوانی خود در دفاع از دموکراسی در مذمت پارلمانا نتا ریسیم و مابعدیت عوام فریبانه دموکراسی بورژواشی در مقابل سبها بدیکتا توری پرولتاریا به عنوان شکل عالی تر دموکراسی قلمبرسانی می کنند. این تلاش نویسنده پوپولیست ما، اما بخوبی نشان می دهد که آنها چقدر از درک این نین در مورد مطالبات برنا مه حداقل قلمبرسانی رند، لنینیسم برخلاف پوپولیستها، مابعد برای مطالبات بورژواشی - دموکراتیک را از سوی طبقه کارگر، مابعد برای استقرار جمهوری پارلمانا نی نمی داند، بلکه برعکس با تکیه بر آزادیهای نامحدود سیاسی و مطالبات حداقل و با تفکیک دقیق این مطالبات از درخواستهای انتقالی و سوسیالیستی بر ضرورت استفاده موثر از اسلحه آزادیهای سیاسی و امکانات دموکراتیک جا مبه بورژواشی، برای برافکندن بنیان این جا مبه انگشت می گذارد. بنا بر این لنینیسم در عین دفاع پیگیر از مطالبات بورژواشی، نمی خواهد که در جمهوری پارلمانا نی متوقف شود، بلکه می خواهد اولانبروی هر چه بیشتری را بر علیه استبداد دونا پیگیری و خیاننت بورژواشی به دموکراسی بسپرد و نشانها مشکل تر و سازمان یافته تر به دادا مهنبرد برای سوسیالیسم ببرد. در رابطه با همین موضوع و با سبها بدیکتا نی که دفاع از آزادی های بورژواشی را در مقابل سوسیالیسم می انگاشتند لنین می گفت: اشتباهی اساسی است اگر فکر کنیم مابعد برای دموکراسی ممکن است نظر پرولتاریا را از انقلاب سوسیالیستی منحرف سازد و با آنرا در پرده و تحت الشعاع قرار دهد. برعکس، همانطور که سوسیالیسم پیروزمند بدون اجرای دموکراسی کامل ممکن نیست، همانطور هم پرولتاریا نخواهد

توانست بدون اجرای مابعد همه جا نبه و پیگیر انقلابی برای دموکراسی پیروزی بورژواشی را تدارک ببیند. (کلیات به زبان روسی جلد ۲۷ صفحه ۲۵۳). بدلیل همین وابستگی متقابل دموکراسی و سوسیالیسم بود که خواست آزادی بی قید و شرط سیاسی یکی از بندهای مهم برنا مه حزب بلشویک روسیه را تشکیل می داد. حتی متن اصلاح شده برنا مه دموکراسی بلشویکها مصوب تا پستان ۱۹۱۷ یعنی کمی قبل از انقلاب سوسیالیستی اکتبر، ضمن بیان صریح اهداف حزب یعنی یک جمهوری دموکراتیک تر (و پس سوسیالیسم) کلیه مطالبات بورژوا دموکراتیک و از جمله: آزادی نامحدود عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، انتخابات، تشکلات، به روشنی فرموله شده اند. (ب) تدوین کنندگان برنا مه فوق هیچگونه توهمی در مورد مابعد مطالبات فوق نداشتند، و برخلاف پوپولیستها با به علمی و ضرورت حیاتی سیاسی و عملی دفاع قاطع از کلیه مطالبات فوق را در آستانه انقلاب سوسیالیستی بخوبی درک می کردند، چرا که برخلاف فرقه های پوپولیست، بلشویسم می آموزد که برای رسیدن به جمهوری دموکراتیک تر کارگران و دهقانان و برای سوسیالیسم به مثابه نتیجه اقدام آگاهانه توده های کارگر و حمتکتش، قبل از هر چیز لازم است که مناسب ترین شرایط برای ایجاد صف بندی طبقاتی بوجود آید و از آن دفاع گردد. طبق این آموزش برای پشت سر گذاشتن تحولات بورژواشی - دموکراتیک و انکشاف مابعد طبقه ای مطالبات دموکراسی نامحدود نقش کلیدی دارد. بنا بر این دفاع از دموکراسی به عنوان مناسب ترین شرایط برای شکل دادن به نیروی که مابعد رزه برای جمهوری دموکراتیک تر را ادا می خواهد داد، یعنی سازماندهی پرولتاریا، زمین تا آسمان با لیبرالیسم که سازش طبقاتی را جای مابعد طبقه ای می گذارد و فرقی در مابعد نکتته را با پوپولیستهای فسیل شده ما در نمی یابند زیرا نمی توانند تمایزی بین لیبرالیسم بورژواشی و مطالبات حداقل برنا مه طبقه کارگر قاطع شوند و بنا بر این در مقابل صفت "نامحدود" و "بی قید و شرط" حاج و واج می مانند و آنرا تلاش برای پنهان نمودن مابعد لیبرالیسم بورژواشی قلمداد می کنند. از نظر پوپولیسم طبقه کارگر نباید از سلاح دموکراسی سیاسی برای تقویت و تحکیم موقعیت خود استفاده کند، زیرا این سلاح از سوی لیبرالهای بورژوا بر علیه مستبدین بورژوا به کار می رود و مابعدیتی بورژواشی دارد!

انقلاب بهمین فرصت خوبی برای آزمودن تنگ نظری پوپولیستها و ناپیگیریشان در زمینه دموکراسی فراهم کرد. از این رورجوع کوتاهی به نتایج عملی و سیاسی موضع این جریان مفید است. قاطعانه، تعرضات قدم به قدم استبداد دولایت فقیه به دستا وردهای انقلاب بهمین و از جمله دموکراسی نیم بند تحمیل شده به رژیم فقها را باید داد ریم. موضع پوپولیسم در مورد تعرض به آزادیهای سیاسی چه بود؟ چپ پوپولیست در مورد تعطیل روزها مابعد پندگن و پینام مروز و نیز سازماندهی انتقالات اپوزیسیون به چه دلیل فلج شد و دفاع از آزادی را به بنی صدر و لیبرالها واگذاشت؟ به این دلیل که این "چپ"، آزادی را فقط برای احزاب انقلابی و خلقی می خواست و از این نظر به لحاظ منطق با رژیم اسلامی و حزب توده که آزادی را فقط برای طرفداران انقلاب اسلامی می خواستند فرقی نداشت! پوپولیسم را دیگال نمی توانست بفهمد که پس از محاکمات یک دقیقه ای ژنرالهای مزدور ارتش شاه، نوبت محاکمات یک دقیقه ای انقلابیون در سراسر ایران خواهد رسید و پس از گذراندن خواست تشکیل مجلس موسسان توسط رژیم فقها و مابعد هدستی بورژواشی لیبرال، مجلس خیرگان بنای استبداد را تحکیم خواهد کرد. در یک کلام چپ انقلابی با دلائلی متا به دلائل نویسنده نشریه کارگر اهمیت شرایط نیمه دموکراتیک برای پرورش سیاسی توده ها و سازماندهی توده ای آنها و ضرورت تشدید مابعد رزه برای کلیه خواسته های دموکراتیک به عنوان شرایط لازم برای گردآوری نیرو برای مقابله با ضد انقلاب حاکم را در نیافت و با بی خردی کم نظیری نظر را گریز زدن کاردارتجاع برای بریده شدن انقلابیون شد. امروزه تنها کسی که با قضاوتها مت سیاسی برای پذیرش خطای خود است می تواند دفاع از آزادیهای سیاسی را معادل دفاع از لیبرالیسم قلمداد کند و به خود مدال نیروی پیگیر بقیه در صفحه ۱۳

# سنون آزاد

قسمت دوم

## نکاتی درباره اهمیت پاولوف گرائی و روانشناسی اجتماعی

"تئوری بازتاب‌های شرطی" که بیسمان توانین فعالیت‌های عالی عصبی را نیز دربر می‌گیرد و آزمایش‌های معروف به "آزمایش‌های سگ پاولوف" (۳) پایه‌های دستیابی به این تئوری را بنا نهادند، دواصل زیربنای پاسخ به چگونگی پیدایش، شکل‌گیری و تکامل پدیده‌های روانی را روشن کرده‌اند.

الف - فعالیت‌های روانی انسان یکی از کارکردهای مغز در رابطه تنگ با محیط می‌باشد (اساس تئوری لیسیم).

ب - فعالیت‌های روانی انسان بازتاب واقعیت عینی در ذهن است (اساس تئوری لیستی شناخت).

دستاوردهای کوش تاریخی پاولوف نشان داد که در پیدایش، شکل‌گیری و تکامل پدیده‌های روانی حیوانات عالی و انسان دواصل مهم "مغز و محیط" نقشی اساسی دارند و در انسان شالوده پدیده‌های روانی انسان (و شعور انسان) را تا اثرات ناشی از جهان عینی - طبیعت و جامعه و از طریق دستکاهای حسی بر مغز پدید می‌آورند. بعبارت دیگر، ماده‌ها و اشیاء نه پس از میلیاردها سال تکامل، عصاره تکامل یافته‌اش در ترکیب خاصی که بنیاد پیچیده و سازمان یافته است، تبلور می‌یابد. این عصاره میلیاردها سال تکامل ماده "مغز انسان" نام دارد. مغز انسان زمینده و شالوده پدید آمدن محصول است که روان (روح، شعور و جهان ذهنی انسان) نام می‌گیرد. بذرا این محصول را بازتاب‌های واقعیت عینی در مغز می‌نشانند، بازتاب‌ها که ناشی از تحریکات محیط مادی انسان، بویژه طبیعت و جامعه می‌باشد.

تئوری بازتاب‌های شرطی، نشانگر نقش شالوده‌ای بازتاب (انعکاس) در فعالیت‌های عالی عصبی است، فعالیت‌ها که در خلال عصاره و از راه توسعه و تطبیق با شرایط معین تکامل یافته‌اند، بازتاب که مفهومی فیزیولوژیکی قلمداد می‌شود، توسط پاولوف و بسیاری از دانشمندان به قلمرو روانشناسی آورده شد و در این قلمرو نقشی اساسی در پایه‌گذاری روانشناسی علمی بازی کرد. بازتاب (انعکاس)، بعنوان خاصیت ماده بی‌جان و جاندار، همراه با تکامل ماده، تکامل کیفی یافت و در موجودات جاندار پیچیده تر شد. پیچیده ترین و تکامل یافته ترین نوع بازتاب‌ها مغز انسان در مقابل محرک‌های محیط نشان می‌دهد، شعور انسانی (آگاهی خود آگاهی) عالی ترین

نکته بازتاب و قسمت و حاصل تکامل طولانی جماعت است، که خود نیز از مجموعه‌ای از بازتاب‌های ساده تشکیل می‌گردد.

تجلی بازتاب - حتی بازتاب‌های غیر شرطی بعنوان آن شکل آزمایگری که موروشیت - که واکنش موجود زنده در مقابل محرک‌های گوناگون است، را به صورت سازش و تطبیق ناشی از تا شیر جهان عینی برنظام عصبی می‌توان دید و این خود اثبات این مسأله مهم است که "هیچ فعلیتی در موجود زنده خود بخود و بدون علت نیست" و پیچیده ترین پدیده‌های روانی را در چارچوب "محرک و پاسخ" که سال‌ها در حمار جهل و تاریکی اندیشی بوده و هست، می‌توان تبیین کرد. کشف تئوری بازتاب‌های شرطی به معنی کشاندن پدیده‌های روانی و روح به آزمایشگاه و شناخت توانین حاکم بر آن‌ها نیز هست، "روحي" که کلیسا با "زندان‌ها" های ملبس به مسیح‌ها، ما و راه همه چیز و غیر قابل مطالعه می‌دانستش. کلیسا در آن هنگام با تمام قدرت شیطان‌ها تبلیغ و ترویج می‌کرد که "روح مقوله‌ای است غیر قابل شناخت، روح آسمانی است و حاکم بر رفتار بشر و بهتر است برای شناخت آن بیهوده وقت خود را تلف نکنید"، اما پاولوف فریاد می‌کرد و بیاری تئوری بازتاب‌های شرطی را نیز نشان می‌داد که "روح همان واکنش‌های پیچیده مغز است، واکنش‌ها که منشأ آن‌ها محرک‌های گوناگون محیط است که از طریق حواس به مغز می‌رسند"، و در واقع بیان این نکته اساسی فلسفه ما تریالیسم دیا لکتیک، که روح بمعنای یک گوهر مستقل و مجزا از بدن وجود ندارد.

با آنکه تئوری بازتاب‌های شرطی، چگونگی پیدایش، شکل‌گیری و تکامل پدیده‌های روانی و شعور انسانی، تا حدود زیادی شناخته‌تر شده است. این تئوری در کنار چگونگی تحول کیفی نظام تکلم انسان از دیدگاه انگلس، که به قول او تنها "گلی‌بافی‌ها" در موردش صورت گرفته بود، نقش نظام تکلم یا "دومین دستگاه علائم و تعبیرات" (۳) را در چگونگی شکل‌گیری شعور انسانی با سخی نسبتاً علمی نشان می‌دهد. این تئوری نشان می‌دهد که در رابطه با شکل‌گیری شعور انسانی "کلمات" نقش محرک‌ها را بازی می‌کنند و با توجه به ویژگی استثنائی قشر مغز انسان، بعنوان محصول کار اجتماعی و "جا بجا هیگانی و تجزیه و ترکیب انگیزه‌های بی‌شمار محیطی...". این محرک‌ها پایه‌های تفکر بشری را می‌ریزند. دیدگاه‌ها و آزمایشات پاولوف در کنار اندیشگی انگلس در رابطه با تکامل انسان، نشان می‌دهد که چگونه پسر شالوده خا آتشین "کار" قشر مغز تکامل یافته و همراه با پیدایش کلمات، اندیشه و شعور انسانی پدید می‌شود. اندیشه و شعوری که با ما هیتا اجتماعی مغز انسان جایگاه پدیدار شدنش است، اندیشه و شعوری که بنیان آداب و عادات و آگاهی‌ها و رفتار انسانی و شناخت او از جهان پیرامونش است.

(۳) آزمایش‌ها با ولوف! آزمایشی که چگونگی تشکیل بازتاب‌های شرطی در حیوانات عالی را نشان می‌دهد، به گونه‌ای آگاهی‌ها نه از سوی شما می‌رژیم یا ارتعاشی، آزمایشی سطحی و بی‌معنی قلمداد می‌شود. این رژیم‌ها با آگاهی برای اهمیت فلسفی و اجتماعی این آزمایش‌ها به هر سادگی، حتی در دانشگاه‌ها بخش نا چیزی از بحث‌های روانشناسی و روان‌پزشکی و فلسفه را به آن اختصاص می‌دهند. برخورد سیستم آموزشی رژیم‌ها و رژیم‌فقه نمونه گویا شایسته.

(۳۳) نخستین دستگاه علائم و تعبیرات، نظام عصبی زیرقشری و نامتکامل است که در حیوانات عالی و انسان مشترک است و آن را "نظام حسی" نیز می‌نامند. اما در انسان دستگاه دیگری که دنباله تکامل یافته نخستین دستگاه علائم و تعبیرات است، بوجود آمده. این نظام جدید که بر پایه نظام اولیه تکوین یافته، نظام تکلم یا "دومین دستگاه علائم و تعبیرات" است.

### ادامه از صفحه ۶

#### اجرائی زیبا از يك...

مهاجر" با پدربچمنی را بدست گیر که رژیم می‌خواهد از جنگ هنرمند متعهد در داخل کشور بدر آورده، تا بدوش گردانند، هنرمند متعهد مهاجر می‌تواند حتی از دور با روکمک هنرمندان داخل با شد و از دور بیشتر به اهتزاز در آوردن این پرچم بکوشد. امروز خلق هر اثر هنری در خارج از کشور، تنها از این زاویه و از این دید می‌تواند ناقابل بررسی باشد. هنرمندان چه خدمتگزار گشته خلق از خویش را با جنبش پیوند زدند و از این نظر است که می‌توان گفت نمایش آنکه گفت آری و آنکه گفت نه "انتخاب خوبی است، اما خوبترین انتخاب نیست، گروه ارک اگورسالتی برای خویش قائل است، که هست، طبیعی است می‌تواند خالق آثار زنده‌ای در این زمین باشد. این قابل قبول است که نمایشنا مع قابل اجرا در این عرصه کم‌داریم و در ارتباط با جنبش کشور ما، شایده ما نداریم ولی این دلیل نمی‌شود که نتوان خلقش کرد. این مشکلی نیست که نتوان بر آن چیره گشت، انتخاب نمایشنا مع حتی در چارچوب زندگی مهاجرین (زندگی فکری و اجتماعی) می‌تواند در شرایط فعلی جالب و ماندنی باشد. کاربرشت در این عرصه‌ها خود یک نمونه و الگو است "گروه ارک" چگونه می‌خواهد این مهم یعنی پیوند خویش با جنبش را مستحکم تر کند، این دیگر بستگی به او و کسارش دارد. در این راه با بتکا ر لازم است. هنر را زیبا نهی گوناگونی است. زبان را تا آنکه که جان دارد، نمی‌توان هیچوقت و در هیچ شرایطی از گفتن بازداشت. با آرزوی موفقیت برای "گروه ارک".

سعدی - کلن

(۱) معادل آلمانی این کلمه Verfremdung است که در زبان فارسی به غلط "فامله‌گذاری" ترجمه کرده‌اند. معادل صحیحتر آن می‌تواند "بیگانه‌سازی" یا "غرابت" باشد.



روزی از نو، خنک در بگیریه، در تانی - از درگیری داخلی عاقل نباش، هنوز خیلی‌ها از خود بهای رژیم هستند که جنگ می‌خوان، طرف که مشو بسذاره زمین اینا به پست هم می‌زنند و مکان داره اوضاع بدتر بشه که بهتر نشه، جوان اولی گفت: با با این حرفها کدومه همه قول و قرارهای صلح گذاشته شده، رفتنجان با صدا م‌تلغنی صحبت کرده، پشت پرده همه کارها نمومه ولی خوب برای طرفدارا شون به کم سنگین بود که اونم با حرفهای خمینی روبه راه شد، این ترق و ترقی هم که دیدی ساخت و پاخت صدا م‌بسا رفتنجان بود، آخه صدام که روش نمی‌شه به رجوی بگه داره دستورات رو برودا رو بروا بین بود که با هم قرار گذاشتند تا دوتا نیروی مخالفشون روبه جون هم بیندازند، از هر طرف که کشته می‌شه به نفع ایران و عراق بود، پیرمردی با موهای سپید و قدی خمیده که تا این لحظه خاموش بود با لحنی آرام و از موضع بالا و روشن‌فکرانه گفت: تا سیاست اونطرف مرزها چی باشه ایران همیشه ب‌نظوری بوده تا اومده به کمی چون بگیریه دستهای از داخل و خارج پیدا شدن و اوضاع رو بهم ریختند، هر سال یکبار این

خمینی سبا بدیدرسید (با خنده) من گفتم احسنتم بطراین بدر و قبول دارم، صلح با مل و دلخواه مردم موفقی برقرار می‌شه که ملاها نشا شدند و رژیم خمینی سرنگون بشه، والا بقول شما چند روز دیگه وقتی اینان نفسی تازه گرفتند و مردم را ساکت کردند دوباره جنگ را از سرخواهند گرفت.

\*\*\*

شبهای شنبه معمولانا نواشبهای لوانشی و تافتون و سنگگی بخت ندارند و هجوم همه مردم جنوب شهر متوجه نا بربری است و طبعا در صف طویل این نواشبهای بدست آوردن نان پس از دو ساعت معطلی و کلی مشا جرعه بر سر نوبت، زیاد هم خالی از لطف نبوده و برای خود دنیا شی است، از برخورد های جورا جوریا مسائل روز و حوادث داغ و

## نامه‌ای از ایران:

- قسمت اول -

## گزارشی از نظرات مردم درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸

وضع تکرار می‌شه اگر سیاست اونا صلح باشه مطمئن باشیدا بینکاروخواهند کرد حتی اگر بدست خود خمینی انجام شود، مردم بیچاره همیشه با زیجه بوده اند، من برای اینکه جلوی نطق این دانی جان نا پلشون هم محلی را بگیرم گفتم: اینهمه کشته و مجروح، اینهمه فشا روستختی که مردم تحمل کردند بقول شما هوش سیاست‌کشورهای بزرگ بوده، یعنی ملاها املاقتصیر ندرند، پیرمرد با کمی دستپا چگی گفت: نه جانم، اینا تقصیر دارن، تقصیرشون این بوده که دستهای نداشتند سیاستهای اونا رو پیش بردن و به آهستگی ادا شده داد، به روز شاه، به روز هم خمینی و روزهای دیگه هم کسان دیگرا بینکاروخواهند کرد، چون ایران در منطقه حساس کره زمین است هیچوقت درد دنیا آسوده نخواهد ماند، پیرمرد ولی که بنظر می‌رسید از این صحبتها کسل شده با حالتی معترض گفت: نه آقا اینطور نیست این رژیم رو نه ابرقدرتها بلکه بازاریها نگاه داشته اند و در این چند ساله جنگ هم شروتهای کلانی به جیب زدند خیلی‌ها مثل ما خونه خراب و مفلس شدن، اما اون روز بیرون زندگی هاشون بهتر شد، به مغازه شدند، به خونه‌ها - شون شدند، به آب و آبی خیلی از کاسه لبها هم به جوی افتاد، تازه بعد از جنگ هم اونان املات طلبکاروخواهند شد و خواهند گفت که جیبها رو ما ادا کرده کردیم، پس حالا باید اختیار داشته باشیم و جنس خود را هر جور که می‌خواهیم بفروشیم، بفیوزها انگاری تا ابد این مردم آدم و نا هستند، جوانی در

شتا بدار جا معه، در یکی از این شبه در صف طول و دراز نواشی صحبت از ازان شدن کالاهای لوازم خانگی بود، پیرمردی با دست‌آنها به آن طرف خیابان کرده و مغازه بسته‌ای را نشان داد و گفت: همین حاجی فلان فلان شده میدونی چقدر در این مدت استفاده برد، همجاناس تعاونیهها را دزدکی خرید و به قیمت آزاد به خلق لده فروخت، اما الان چند روز شایع کرده که دارم رونکست می‌شم، گفته تا اینجا یک میلیون ضرر کردم، جوانی با حالت ناراحت گفت: بلانسیب... خورده که میگه ضرر دارم، حالام برایش مدام می‌بخال، تلویزیون، فرش میاد این بی‌نا مونس کلی پارتی گردن کلفت داره، خود من به فرش ماشینی از ش بردم هرچی التماس کردم که حاجی نصف اونوا من قسطی بگیر قبول نکرد، ۲۵۰ هزار تومان پولو جرینگی دادم بهش، آگاهان خرید بودم قلا ده هزار تومان نش به نفعم بود و میتونستم به به زخم دیگه امیزم، مرد دیگری گفت: برای ما چه فرقی می‌کنه ما که نمی‌خواهیم خرید و فروش کنیم، ما برای مصرف خودمون جنس می‌خریم آترو هم به قیمت خریده ایم حاجی هم قیمت شده ایسن و امکان داره پاشین تر هم بیاد، آخه از الان انگلیس و آمریکا با هم دعوا دارن و هر کدوم میخوان بیشتر با جنس بدن و برای نوسازی خرابیهای جنگ کمسک کنند، فرا نسه هم قراره به عالمه مواد غذایی به ایران بفرسته، آگاه این حرفها راست باشه اوضاع بهتر می‌شه! پیرمرد ولی گفت: چه بهتر عزیز من تازه اول کاره، اولاد که هنوز معلوم نیست صلح صلح بشه و هر دقیقه ممکنه آتش بس بشکنه و روزا زانو

جمعی ۵،۴ نفره از کارگران ساختمانی دور میزی در یک قهوه‌خانه تلوغ به کشید قلبان و نوشیدن چای مشغول بودند، کنارتها نشستم و در یک فرصت که آنها از تلا و نزول قیمت آن در بازار صحبت می‌کردند، توانستم قاطی بحث آنها شده و چند دقیقه‌ای گفتگوی صمیمانه‌ای از این در و آن در داشته باشم، یکی از آنها گفت: چهارتا زرگر تو با زار سخته کرده اند... مردم من و سرحالی که در میان آنها بود با خنده و لهجه ترکی گفت: بدرک تا چند روز پیش که میلیون میلیون به جیب زدند، مگه دلشون برای ماها می‌موخت که ما حال ناراحت آنها باشیم، جوان دیگری که هنوز گردوغبار ناشی از کار طاقت فرما از چهره و دستانش بخوبی زده نشده بود گفت: کسی که برای پول سخته کنه اصلا آدم نیست! رفیق او با خنده و کمی تمسخر گفت آه، این من و توایم که ب‌نظوری هستیم، اونایه زالوها شی هستن که برای منارش جون میدن.

سپس صحبت به اوضاع و احوال کار ساختمانی کشیده شد، پیرمردی در جواب سوال من که پرسیدم اوضاع کلر چطوریه؟ گفت بدک نیست و آگاه جنسگ

بخوا به بهتر هم می‌شه چون قیمت اجناس که بیاد با شین روئلو ازم ساختمانی هم تا نیر می‌زاره، مثلا در همین مدت آلومینیوم از کیلوشی ۲۷۰ تومان رسیده به ۸۰ تومان و خیلی از فروشنده‌ها کلی ضرر دادند، هر چند قبلا استفاده هاشون رو بردند، من گفتم ولی آگاه صلح نشه دوباره قیمت هاشون بالا میره ب‌نظور نیست؟ جوانی از آن میان گفت: هنوز که قیمت خوراکیها پاشین نیامده، پس چه فرقی به حال ما می‌کنه حال می‌خواه صلح باشه یا جنگ، دوستش گفت نه همه می‌کنن آگاه طلا بیا دپاشین همه چی میاد پاشین، شاید کم کم مواد خوراکی هم از زون بشه و ادا مدها با مردم زله شدن خدا کنه همه چی از زون بشه، مرد سیبیلو درحالی که ته متسده چایش در استکان را سر می‌کشید گفت: اینا شی که در این روزها کشته می‌شن خیلی بدشانسند، دمدمای آخرجنگ نفله شدن خیلی زور داره، بیخود نیست که می‌کنند، حق دارن بیچاره‌ها، والا حق دارن، جوانی کم سن و سال گفت می‌کن عراق الان فقط می‌خواه ادا ما سیر بگیره تا موقع رد و بدل کردن اسرا چیزی کم نیاره و همه افرادش را از ایران ببره، پیرمرد گفت من که چشم آب نمی‌خورم، ملاها با این آسونی صلح کنند و آگاه هم بکنند عراق با این زودبیا ول نمی‌کنند، دوباره این جنگ شروع میشه، اما الان خوب اوضاع اینا خیلی بی‌ریخته و مجبورند صلح کنند، در حقیقت فعلا اینا از عراق فسلقی شکست خورده اند، چون به موقع بوده که می‌گفتند صلح تنگ است، چطور شده که تنگ و عا نیست بقول

## گزارشی از

## نظرات مردم...

ادا مصحبت وی گفت: درسته بعد از جنگ با پدیده دولت خیلی قدرتمند پیدا دکه مثل بولدوزر هم گرافتا رها برادره بریزه دور، و لاهمین آس است و همین کاسه ا جوانی که در صف نوبتش عقب تر بود، اما با علاقمندی به مصحبت ها گوش میداد، جلوتر آمده و گفت: منگه معتقدم تا اینجا هستن حتی بکمک آمریکا و ژاپن وانگلیس هم گرافتا رهایی ما حمل نمیشه، یعنی بعد از اینم هر کس حرف بزنه میگن خفه شو، حالا دوران سازندگیه، تا زه آگه الان فشارشون بمردم نمی تونه زیا دها شه بملت گرافتا ریهای جنگه، اما بعدا ممکنه چندان بمردم زور بکن. دانی جان نا پلشون گفت: نه حتما لازم نیست با زور جنگ با مردم برخورد کنند، تازه ممکنه به کسی هم آزادی بدن، به کسی هم به اوضاع و احوال برسند، برای اینکه بهر صورت با بسند اطمینان اربا با ها شون روجلب کنند، یعنی آگه دیروز با اسلام سلام مردم رو نگه داشتند، امروز هم بلدند با کمی نرمش اوضاع رو تو جنگ داشته باشند، وی با حالتی غرور آمیز گفت: خیلی موندن تا مردم این چیزها رو بفهمند!؟ جوان با کمی دلخوری گفت: نه با این پدر خیلی کلاش بالاست! عزیز من آخوند جماعت عمری است با اسلام و این حرفها بمردم کلک زده دست آخر هم با این حرفها بود که برگرد مردم سوار شد، حالا چطور می شه دست از این حرفها برداره! طرفداران بلا نسبت خر مقدسش روجی میخواد دجا ب بده تا زه تو، سرما به ادا رجاعت رو که می بینی اکثر ا جا جی ان و ته ریش دارن و بسا مهور و تسبیح با مردم بیچاره و بی پروا می شن، طوریکه این مردم سواره رو بر ا حتی گول میزنند، جوان مزبور گفت آره راست می گه خیلی ها با دین و ایمون مردم به شون کلک زدن و با عت عقب افتادن گی ما شدن، نوبت برای گرفتن نا ن رسید و همگی از هم جدا شدیم، اما صف در پشت سرمان همچنان غرق در سرو صدا و مصحبت ها و درد دلها بود.

کنی، اینقدر از این مزخرفات گوش بده تا کربشی. پسر حما می متقا بلا با خنده گفت: پس سوخا لا با بد کر کرده باشی، چون تو خیلی بیشتر به مزخرفات گوش میدی و تا زه اون مزخرفات رو بر برای بچه های کم سن و سال مردم هم میگی! از این گذشته مگه صلح نمی خواندیشه، پس دیگه روضه خونی و ایسن حرفها با بدتموم بشه و مردم با بدشا دی کنند و خوشحال باشن و با صدای کوتاه تری گفت از وقتی که ما متان زهر نوشید مردم خوشحالند! جوان بسیجی که سعی می کرد با شوخی با وی گلایه بشود گفت: خجالت بکش تو آدم بشونیستی، ترو با بد بفرستن خط مقدم تا حالت جا بیا د، نوجوانی که در نوبت حما منشته بود با علاقه به شوخی آتند و می نگرست گفت: راستی سیدا حمد پیا ما مام رو کی نوشته بود؟ الحق که خیلی وارد بوده! جوان ریشودر حاکم که غافلگیر شده بود رویش رابه جمعیت برگردانده و گفت: اینکه چیزی نیست در همه دنیا رسمه که پیا مومتن سخنرانی رهبران را کسان دیگری می نویسنند، تا اونجا که من می دونم



اقا خودش می نویسه اما یکی از بچه ها می گفت آقای سروش و آقای حدا دعا دل برای اما می نویسنند و اما م خودش تصحیح می کنه، پسر حما می با کنجکاوی پرسید ا بنا کی هستنند مشا و را ما مند؟ سیدا حمد گفت درست نمی دونم ولی آقای سروش نویسنده با پیداشه و حدا دعا دل هم تو آموزش و پرورشه، پسر حما می چند لحظه بعد در حاکمیکه به جمعیت چشمک میزد پرسید چون سیدا حمد را استوشوگو، درسته که می گن آمریکا می خواسته ا بنا رو ببره و مجا هدین رو بیا ره سرکارا، اما ا بنا فهمیدن و از زور دستپا چگی قطعنا مر ا پذیرفتند؟! سیدا حمد با حالتی جدی و کمی آزار نده گفت: آمریکا سگ کی باشه، آگه می شونست خیلی پیش از اینها اینکا رومی کردوا اما دکه درسته که منافقین سر سپرده آمریکا ن! اما

چون بین مردم نفوذی ندارن آمریکا هم به شون اعتنائی نداره، از همه این حرفها گذشته امروز ما شا بعه زیا دسریان مردمه، ولی غذا به مری به اما میده تا بعدا خودش همه جریا نا ت روفاش کنه و بگه که چطور شد یک دفعه صلح رو قبول کرد! پسر حما می کسی جدی گفت: پس کن با با ا بنا قدر خودتون رو به نفی می یزنید، جریا نا ت پشت پرده معلوم دیگه خسته شدن مردم! جنگ بی روحیه شدن ارتش و سربازا، اختلاف شما با ارتشها، ندا شستن مهمات کافی و کلا بزا نودر آمدن نیروهای ایران و از همه مهمتر قدرت طلبی هر آخوند تا زه به دفتر و دستک رسیده، همه ا بنا لادبیه گوش رسیده و مملحت حکومت ملائی را در این دیده که فعلا با یکدکوتا به ایداد (با خنده)، سیدا حمد گفت: همه این حرفها بکنسار ولی با پید مسائل دیگه ای هم با شه که فعلا معلوم نیست کجا ای کارلنگ بوده، مرد نسبتا جوان و مشتری حما م گفت: حالا هر کی مسبب و با نی این مسئله بود، فرقی نمی کنه، میخواد درسنا جی بود با شه، میخواد ا حمد خمینی باشه، میخواد در فرستن مردم به جبهه بوده باشه، بهر صورت به نفع مردم بوده، سیدا حمد گفت: درسته ولی بدبختی اینجاست که الان یک مشت فدا انقلاب می گن چرا صلح کردید، در حاکمیکه قبلا می گفتند چرا صلح نمی کنید، پسر حما می با خنده و تمسخر گفت: هر جا قافیه تنسنگ می ادا آقا یون کلمه فدا انقلاب رو بکا می برنند و ادا مدها دکه مزیز من شما ها تا کی می خوا هید بی خود و بی جهت بمردمی که ازتون دلخورن، ازتون بد شون میا دبگین فدا انقلاب! نوجوان گفت بخدا راس می گه، منو که میدونی اهل هیچ برنامهای نیستم و برای خودم کاسم ولی چون خوشمنیما دبا بچه حزب الهیها بجوشم یا بهم می کن پانک یا می کن منافق، از بس از این حرفها زدند بیچاره پدرم ترسید و سال گذشته ما ه رفت منطقه! پسر حما می گفت محمد جون غصه نخور نوبت ما هم می رسه، چیزی نمونده که ما سواره بشیم و ا بنا یون پیا ده، سیدا حمد که سرخ شده بود برای اینکه بیشتر از این کتف نشود گفت مگه خواب ببینید و ا زحما م خارج شده و خنده جمعیت بدرقه اش کرد.

■ ■ ■

بدنبال حمله مجدد عراق و مجا هدین بشهرها در محل کارکا رگران عموما به برقراری صلح با شک و تردید نگاه می کردند و در گیریهای حوالسی کرمانشا ه که بسیج گسترده ای را ظاهرا در پی داشت نوعی دلهره و تشویش برای آنها ایجاد کرده بود، بطوریکه خوشبینی هفته های گذشته خود را کاملا از دست داده و هر آن منتظر بودند که پیامدهای آن به نوعی دامنگیرشان شود، موقع نهار دوست کارگری می گفت: ما رو بگو که دلمون رو غشوش کرده بودیم بهمین زودی صلح خواهد شد، این لامبا دوباره بدجوری به مردم پیله کرده اند، قراره تعطیلات تا بستونی همه کارخانجات را به بهانه

گزارشی از نظرات مردم...

حمله عراق و مجاهدین برای ۳۰٪ از کارگرهای هر کارگاه لغوکنند، اما من که از زمین و زمان هم بهم دوخته بشه از تعطیلات خودم نمیگذرم، کارگر دیگری گفت: سرما یه دارم اما عت هم از خدا شه که ۱۵ روز تعطیلات سالیا نه ما ما لیده بشه، از یکطرف از با زا آشفته سود میبره و از یکطرف از کار کردن اجباری کارگراش خوبه و الاچی از این بهتر برای این آقایون، کارگر دیگری که تحت تاثیر جو حاکم از اشتها افتاده و با غذا پیش بازی میگرددر حالیکه قاشقش را در بشقاب برها میگردگفت: با سال قرار بود بچه ها رو ببرم سرشین اردبیل پهلوسوی با جناقم ولی وضع ترمینالها آنقدر آشفته شده که نگو، اصلا ما شین گیر نمیداد، همه ما شین ها رو بردند جیبه، تا زه که مرخمی هم داشته باشیم، با زبا بد با دلبره تو این جهنم سرکنیم، دوست کارگر دیگری گفت: بنظر نمیداد این وضع زبا دادا ما مددا شسته با شه بیشترش تبلیغاته، اول عراق زبا دجلسو نخواهد آمد فقط میخواد اسیر بگیره، و در تانسی هیا هوی رژیم هم برای اینکه میخواد بقول خودش دوباره طرفدارش رو بیکدست کنه و راهیما شی روز عید غدیر هم برای همیشه، دوست دیگری که روی میز دیگری نشسته و صحبت ها توجیهش را جلب کرده بود گفت: فعلا که مجاهدین دارن یکی پس از دیگری شهرها رو آزاد میکنن، امکان داره این رشته سر دراز داشته باشه و اینا هم این دفعه بدجوری ترسیدن و بسجشون از همیشه بیشتره، کارگروان اما پرتجربهای پرسید فکر میکنی اوناقا درنند اینکا رو بکنند، تا زه مگه زبرچتر صد ماجلو آمدن هنره! دوست اولیه که بحث را شروع کرده بود گفت: مسلمان مجاهدین نمیخوانند کاری از پیش ببرند، ممکنه عده ای را بکشند ولی خودشون هم تلفات خواهند داد، در هر صورت کارشون غلطه چون قاطی نیروهای عراقی شدن و از همه مهمتر بدجوری بهانه بدست ملاها دادند، تا دوباره اینا توستند مردم برای جنگیدن تحریک کنند، دوست سیمه حزب اللهی ما که جدیدا تغییر موضع داده است گفت: منا فقین مدد رجا از بعضیها بدترند و دارن هموطنان خود را میکشند، دوست کارگری گفت: این گردن کلنت حکیم مگه چیکا میکنه، آگه کار مجاهدین غلطه کار اونم غلطه، یک با مودوهوا که نمیشه، آگه اونازیر علم صدام سینه میزنند این مزدور شکم پرست هم زیرعبای آخوندهای ما رفته، پس هردوتا شون آلت دست دیگرانند.

سر بازی که از منطقه اسلام آباد غرب گریخته بود می گفت: اوضاع در جبهه ها آنقدر در هم و برهم است که سگ ما حیثیونمیتنا سه، اکثر سر بازیها بسا

رها کردن سلاحهای بیاد و بویه هزار زحمت بسره کرمانشا هوا زانجا نیز سلطت نبودن وسیله از طریق بیراهه و کوه تا کنگاور و هرسین آمده اند، و همچنین نقل میگرد که اکثر اهالی اسلام آباد غرب و کرمانشا در این مناطق در میان کوه و کمن بدون داشتن کمترین امکانات پراکنده میباشند، وی علت اصلی در هم ریختگی و بلبشود در جبهه ها را نبودن امکانات اعم از مهمات و آذوقه و از همه مهمتر نداشتن روحیه ذکر کرده و می گفت: اکثر بچه ها بهم می گفتند این روزهای آخرفدای چی بشیم؟ حتی عده ای از پیشروی مجاهدین خوشحال بوده و می گفتند: خوبه، بذار ببیان جلو، روی رژیم کم



می شه و از طرفی یک بسیجی می گفت منا فقین در میان ارتشها نفوذی داشتند و بهمین علت ارتشش مقاومت چندانی نکرد و از مقابله شان عقب نشینی کرد و اکثر نیروهای مردمی نبودند منا فقین خیلی جلو می آمدند و تا بد چند شهر دیگر را می گرفتند، تصرف و استرداد اسلام آباد و کردند توسط نیروهای مجاهدین موجب تبلیغات وسیع حاکمیت در این زمینه شد، اما در کنایه این هیا هوی همه جا شبه مردم از تیبها و جایگا هیا متفوت خود هر یک بگونه ای مسئله را تعبیر و تفسیر می کردند که اکثر عمل مجاهدین را نادرست از با بی کرده و آنرا غلوبیت از حد تلقی می نمودند، در همین رابطه کارگری که اقوامش در اسلام آباد زندگی می کردند، پس از شنیدن خبر تصرف شهر سرا سیمه از آن منطقه می شود، وی نقل می کرد: از پلیس راه کرمانشا عبور تا می اتومبیلهای شخصی ممنوع بود، با لاجبار به پادیه کرمانشا هوا اردشدم، اما بجز نظامیان و نیروهای مسلح احدی از مردم عادی در شهر دیده نمی شدند، وقتی خیرا زاهالی اسلام آباد دگر فتم، مرا به تجمعی از انما نهی آواره در اطراف بیستون و حتی دورتر از آن در میان کوه و کمن حوالت دادند، به هزار زحمت بمیان اولین دسته از آوارگان بازگشتم، اما از هر کس سراغ آشنا بپرا گرفتم، آنها پیشاپیش از من سراغ دیگری را می گرفتند، محشری بسود، انگار دنیا زبرور شده و انبوه زن و مرد و کودک را پای برهنه از خانه ها نشان رانده بود، اکثر آنها با شیون وزاری به خمیستی و صدام فحش و لعنت نشا می کردند، وعده ای هم که شنیده بودند حمله نه از جانب نیروهای عراقی بلکه تنها از جانب مجاهدین بوده باورشون نمی شد و آرا خود کشی می دانستند، هیچگونه روحیه حمایتی در بیسن آوارگان دیده نمی شد، اما بودند کسانیکه ضمن بر شمردن دردها و آلام خود برای آنها هم دلسوزی کرده و می گفتند که پادها زبا دن همه شون رومی کشند،

ببخود اینکا رو کردند، هم ما آواره شدیم و هم خود شین کشته خواهد شد، مردمن سا ندویج فروشی با لهجه شمالی می گفت: مجاهدین اشتباه چند سال پیش خود شون رو تگرا رکردند، من نمیدونم چرا اینا اینقدر بلسند پروازی می کنند، درسته که مردم از این شهتوها (ملاها) دلخوشی ندارند ولی یک شبه که نمایان طرفدار مجاهدین بشن، پس بجز اینکه مدام زنها و مردها شون رو بکشتن بدن کاری از پیش نخواهند برد، زنی چادر مشکی و کاملا سنتی اما روشن دریک اتوبوس آهسته، آهسته برای من می گفت: بخدا لعنت کنه این رجوی روا خمینی بدتر کرده، بچه های پاک و شریف مردم را کشیدند در عراق

و دست آخر هم داد جلوی گلوله پادها، من نمی دونم چرا مجاهدین قیام نمیکنن تا اورا عوض کنند! نو جوانی در صفا اتوبوس می گفت آگه مجاهدین همین روش رو ادا می بدن خمینی سا قط خواهد شد، وقتی با و گفتم فایده ای نداره، مردم از آنها حمایت نمی کنند گفت: چرا هر کس که به خمینی ضربه بزنه کم کم در دل مردم جا میزنه! پیرمردی در یک قهوه خانه در حالیکه قلیان می کشید گفت: نه با اشتباه این جوانهای خام کم تجربه این بود که فکر می کردند چون مردم از خوندها بد شون میا دپس به رجوی لبیک می گن و اون مثل اسکندر مقدونی یکی یکی شهرها رو فتح می کنه و میاد تهرون، این آقای رجوی شنیده که زن آبتن گل می خوره ولی نفهمیده در چند ما هکی می خوره!؟ فکر کرده با خرننگ می تونه بره شکار و گراز، بیگدار بسه آب زدن همینه دیگه، اون توقع داشته وقتیه به شهرهای ایران می رسه مردم گرسنه ای که حسی آذوقه دوروز خود رو در خرمنه ندارند، با خیال راحت زن و بچه ها شون رو بذارن خونده سوار تا تک قراضه آقا شده بیان جلو! پیرمرد تسبیح بدست گفت: آره چون شما این رژیم بدجوری مردم رو از نظر آذوقه بخودش بسته، آگه دوروز کوپن دبرا اعلام بشه مردم لنگند، منم قبول دارم که همه زاین طاقت دارن، بخدا الان چند روزی که دوباره تو محل صفا جلوی مسجد بساط گذاشی کمک به جبهه شون رو پهن کردند و هوی با زر زرنوارهای جورا جور مردم شو شکنجه میدن، اما ما همه اینا کس دیگه ای نیست که مردم پشتشون گرم اون باشه، یکی از سر بازیها در حالیکه قهوه خانه را ترک می کرد با خنده گفت: پدر جون درست می شه، دیگه چیزی نمونده، با روم در حال اغما است برای همین روز عید غدیر دیدارنداشت، بذار اون بدرک واصل بشه تا مردم اول به نفس راحت بکشن تا بعدش، ایامه دارد.

## تهران میعادگاه انحصارات بین المللی

● ضوابط جدید  
برای گزینش دانشجویان

روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی رژیم اعلام کرد که هیئت پنج نفره جدیدی کار بررسی پرونده‌های داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مدارس عالی و همچنین دانشجویان مشغول به تحصیل را آغاز می‌کند.

این هیات قرار است با ضوابط جدیدی که به تازگی از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی گذشته است، کار خویش را شروع کند. از ضوابط و کارها شیکه این هیات با بدایت آنجا مدهد عبارت است از بررسی "سوابق سیاسی" و "سوابق اخلاقی" داوطلبان و ورود به دانشگاه "از طریق وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب" و وزارت آموزش و پرورش. شورای عالی انقلاب فرهنگی رژیم همچنین کسانی را که به "مبارزه مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی" اقدام کرده بودند و وابستگی تشکیلاتی به گروه‌های محاربه را داشته اند و یا به "پرداخت کمک مالی به گروه‌های محاربه یا هواداری تشکیلاتی از آن گروه‌ها یا داشتن عضویت در آنها" شناخته شده اند و یا کسی که به "تبلیغ ما تر با لیس و ادیان ساختگی" اقدام کرده اند، را از ورود به مدارس عالی و با ادا متحصیل محروم خواهد کرد. این قانون دانشجویانی را که هم اکنون مشغول تحصیل هستند نیز شامل می‌شود.

شدیک یا دداشت تفا هم شامل "مدور بیشتر نفست ایران به ایتالیا" "مدور بیشتر کالازسرف ایتالیا به ایران"، "انتقال تکنولوژی"، "توسعه صنعت حمل و نقل بینا لمللی"، "توسعه همکاریهای صنعتی"، "مشکلات و مسائل فولاد مبارکه" و... با ایران امضا کند. ایتالیا شیکا نیز همچنین خواستار "شرکت ایتالیا در مبارزه سازی خرابی‌های حاصل جنگ" شد.

قابل ذکر است که ایتالیا تنها در اجسرای پروژه فولاد با ایران یک قرارداد ۲/۴۰ میلیارد دلاری در دست اجرا دارد و در این بخش ۳۳ شرکت بزرگ صنعتی، فنی، کشاورزی ایتالیا بی با ایران همکاری دارند. این شرکتها ایتالیا بی با چهار مدرکتهای ایرانی طرف معامله هستند. همچنین گفتنی است که حجم مبادلات با زرگانسی ایران و ایتالیا طی سال گذشته رقمی حدود ۱/۴ میلیارد دلار بود. ایران همچنین طی سال گذشته به عنوان دومین کشور تامین کننده نفت ایتالیا، ۷ میلیون تن نفت به این کشور صادر کرده است. و بدین ترتیب است که با عدم منتظر ورود دیگر کشورهای امپریالیستی و شرکتهای چند ملیتی به ایران شد.

با پایان جنگ ایران و عراق، نظرهای انحصارات بینا لمللی و کشورهای امپریالیستی به ایران معطوف گشته است و در این راستا است که هر روز تهران شاهد ورود هیاتهای مختلف از کشورهای گوناگون است. آنان می‌آیند تا ایران را "باز سازی" کنند. آنان می‌آیند تا به "انتقال تکنولوژی" بپردازند و "روابط فیما بین" را تحکیم بخشند.

طی چند هفته گذشته، بدینحال فرانسه، انگلیس، کانادا، آلمان و...، ایتالیا شیکا، استرالیا... شیکا و ژاپن هم آمدند. وزیر خارجه استرالیا که در مراسم یک هیئت بلندپایه وارد تهران شده بود، هدف از آمدن خویش را بررسی "امکان شرکت استرالیا در مبارزه با زبیهای پس از جنگ" و بحث و صحبت با مقامات ایرانی حول "تحکیم روابط فیما بین و بررسی مسئله تجاری" اعلام کرد.

دولت ژاپن نیز که حضور فعالی در اقتصاد ایران دارد با اعزام نماینده ویژه "خویش، علاقمندی ژاپن را برای همکاری فعال در مبارزه سازی خرابی‌های ناشی از جنگ و توسعه هر چه بیشتر روابط" اعلام نمود. در این میان هیئت ایتالیا بی نیز سرانجام پس از چندین روز بحث و "دیدارهای دوستانه" با رضای خاطر ایران را ترک گفت. این هیئت موفق

## ● فراریان از جبهه به اشد کيفر مجازات می شوند.

## ● زن از دیدگاه نایب امام

مدتی است که روزنامه‌های ما که بیان سلسله بحثها بی را از منتظری با عنوان "مبانی فقهی حکومت اسلامی" به چاپ می‌رساند، در بحث حول مسئله زن در مطلبی با عنوان "تقسیم مسئولیت‌های جامعه بر اساس خلقت زن و مرد" وی عقیده اش را چنین بیان می‌کند: "خداوند حکیم برای استواری نظام خلقت و تحکیم روابط اجتماعی و نظام خانواده و تفاهلی را در خلقت زن و مرد قرار داده... تفاوت بین زن و مرد نظیر تفاوت بین اعضا بدن از قبیل چشم و گوش و دست و پا و سایر اعضا می‌باشد... و مسلم است اگر خداوند سبحان زن و مرد را از جهت جسم و غراشز و خصوصیات روحی همان و همانا نندهم خلق می‌نمود، هر یک خود را موجودی مستقل و بی‌نیاز از دیگری احساس می‌نمود و از همان ابتدا اساس خانواده کس، اساس جامعه است تشکیل نمی‌گردید... زن مظهر مهربانی و عاطفه است و مرد مظهر عقل و تدبیر... در مرد بی‌باکی بیشتر است و در زن ترس... زن به فن و ادب متماثل تر است و مرد به علوم استدلالی و تفکر... مرد در فکر تسخیر جهان است و زن در مصد تسخیر مرد. مرد سعادت خود را در مال و مقام و شهرت می‌باید و زن در جلب توجه مرد به خویش..."

خبرنگار جمهوری اسلامی اعلام کرد که "طرح‌های بی دست اجاست که قریباً خدمت وظیفه فراریان و غایبین به چند برابر افزایش یافته و هر زمان که دستگیر شوند، حتی پس از پایان جنگ نیز با همان ضوابط زمان جنگ با آنان رفتار خواهد شد کيفر مجازات خواهند شد". آری رژیم چون حیوانی زخمی تصمیم دارد انتقام شکست خویش را از نیروهای بی که حاضر به حضور در جبهه نشده اند بگیرد.

## ● مصرف سرانه گوشت در ایران

طبق یک بررسی، مصرف سرانه گوشت قرمز درجهان برای هر نفر ۳۰/۸ کیلوگرم گوشت ماهی ۱۳ کیلوگرم در سال می‌باشد. این میزان در ایران، طبق آمار موجود ۲/۲۰ کیلوگرم گوشت قرمز و ۱/۲ کیلوگرم گوشت ماهی است. به عنوان مثال در سال ۶۲ (از این سال به بعد) آمار در دست نیست) در ایران ۸۲۶ هزار تن گوشت قرمز مصرف شده است که تنها ۶۳۲ هزار تن آن متعلق به مناطق شهری است. یعنی در همین سال میزان مصرف گوشت قرمز در مناطق روستایی ایران برابر با ۱۰/۲۴ کیلوگرم ماهی به عبارتی دیگر یک سوم استانها در بینا لمللی برای هر نفر بود.

## ● خبرهایی از آتش بس در جنگ

سرانجام ساعت ۶/۵ صبح روز شنبه ۲۹ مرداد پس از ۸ سال جنگ بین ایران و عراق، رسماً آتش بس آغاز شد. شورای امنیت موافقت خویش را با تشکیل یک نیروی سازمان ملل جهت نظارت بر آتش بس اعلام کرد. طبق قطعنامه ۶۱۹ شورای امنیت هیئت ناظر به مدت ۶ ماه در منطقه خواهد بود. - ۲۵۰ نفر از نیروی سازمان ملل از ۲۹ مرداد در دوسوی آتش بس مستقر شدند. این نیروها از ۲۵ کشور مختلف می‌باشند.

لهستان — ۲۶ اوت

اسرائیل — ۲۵ اوت

● بدنبال اعتمادات کا رگری وسیع توسط معدنچیان و نیز کارگران کشتی سازی، و در حالیکه اعتمادات در پاره‌ای از معادن خاتمه یافته است، دولت لهستان آمادگی خود را برای مذاکره با اعتماد بیون اعلام نمود. اعتمادات کا رگری که با خواسته افزایش دستمزد شروع شده بود، ابتدا در معادن زغال سنگ و سپس به بخشهای دیگر از صنعت از جمله کشتی سازی و فولاد سازی نیز گسترش

یافته بود که در جریان آن فعالین اتحادیه "همبستگی" با ردیگر فعال شده اند، بنا به گزارشات موجود، کارگران اعتماد بیون خواسته اصلی داشتند. نخست افزایش دستمزد به میزان ۵۰٪ و دوم قانونی شدن اتحادیه همبستگی. دولت لهستان تا کنون درخواست دوم را نپذیرفته و حاضر نیست با رهبران همبستگی وارد مذاکره شود.

پاکستان — ۲۴ اوت

● بدنبال سقوط هواپیمای نظامی ژنرال ضیاء الحق و مرگ وی و تعدادی دیگر از ژنرالهای ارتش پاکستان، قرار است که در تاریخ ۶ نوامبر انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود. در این انتخابات که مقامات دولتی قول "آزاد" بودن آنرا داده اند، مهمترین گام نندیدای ریاست

جمهوری بی نظیر بوتو رهبر حزب مردم پاکستان و دختر ذوالفقار علی بوتو خواهد بود. وی امیدوار است که بتواند بیطرفی ارتش را جلب نموده و به قدرت برسد. در صورت به قدرت رسیدن بوتو، رابطه کنونی پاکستان با فدا انقلابیون افغانی دستخیز تحولاتی خواهد شد.

● بر طبق اظهارات شارون وزیر صنایع و بازرگانی اسرائیل، کشور وی به فشار رهسای اقتصاد آمریکا و قوی نخواهد گذاشت و این فشارها اگر صورت واقعیت به خود بگیرند، تصمیمهای سیاسی اسرائیل را دگرگون نخواهد کرد. تقاضای مطرح شده در آمریکا برای اعمال فشار اقتصادی به دلیل اینکه دولت اسرائیل، حقوق سندیکائی کارگران

فلسطینی را زیر پا گذاشته است، اخیراً افزایش یافته است. شارون در این مورد گفت که دولت وی نمیتواند به سازمانهای پوششی PLO که بمناسبت اتحادیه فعالیت میکنند، اجازه فعالیت قانونی بدهد.

برمه — ۲۵ اوت

● بدنبال هفته‌ها ناآرامی در برمه که طی آن تعداد زیادی مقامات بلندپایه دولتی و حزبی کتار گرفته اند، شهرها نگون با بتخت برمه‌ها هدیهک نظارات عظیم ۴۰۰ هزار نفری بود. نظارت‌ها حرکتندگان خواستار لغو سیستم تک حزبی و برقراری دموکراسی هستند. به گفته ناظران آگاه دولت برمه که در سالهای اخیر شاهد شکست برنانه‌های اقتصادی خود بوده است، اکنون بشدت متزلزل بوده و احتمالاً به خواست اپوزیسیون برای تشکیل دولت موقت برای قبل از انتخابات با تگردن خواهد گذاشت.

فیلیپین — ۲۵ اوت

● بدنبال اختلافات شدید در دولت آکینو و کناره گیری لاورل معاون وی، اعلام شد که وزیر سابق دفاع آفریلو لاورل اقدام به تشکیل یک حزب اپوزیسیون مشترک خواهد نمود. حزب اخیراً میدوار است که بتواند بخشی از طرفداران مارکوس را بسوی خود جلب کند.

شیلی — ۲۴ اوت

● دیکتاتور نظامی ژنرال پینوشه در شیلی، پس از ۱۵ سال به وضعیت فوق العاده خاتمه داده است. این اقدام در عین حال به معنی واگذاشتن قدرت به غیر نظامیان و برگزاری انتخابات آزاد نخواهد بود. در انتخابات آینده ریاست جمهوری در شیلی، پینوشه به عنوان تنها کاندیدای ایست پست خواهد بود.

ادامه از صفحه ۷ "اقلیت علیه آزادیهای..."

دموکراسی توده‌ای عطا کند. تنها کوه فکرتترین جریانات پوپولیزم نظیر "اقلیت" حاضر هستند تحت سیاهترین دیکتاتوریهایی تاریخ ایران فقط آزادی احزاب خلقی دفاع کنند و نام آنرا هم دفاع از "دموکراسی" نماند. با "دموکراسی توده‌ای" نهند. جانبداری پوپولیزمها از دموکراسی توده‌ای ادعائی پوچ و نسیه است. زیرا کسی که هنوز نمی‌داند که کمونیستها با دفاع از مطالبات بورژوا-دمکراتیک در حقیقت به محدودیت تاریخی و طبقاتی آن گردن گذاشته بلکه مشیت همه احزاب "دموکرات" و "آزادی خواه" بورژوا را بازمی‌کنند، چنین کسی چگونه میتواند برای دموکراسی توده‌ای مبارزه کند؟ اگر به واقع آنگونه که اقلیت ادعا می‌کند، دموکراسی توده‌ای هدف این سازمان است، آنگاه باید به روشنی نشان داده شود که از شرایط استبداد تا آن دموکراسی و از آنجا تا سوسیالیسم، چگونه نیروهای طبقاتی لازم گردآوری می‌شوند. نویسنده محترم پوپولیزم انگار هنوز در رویای بیرون کشیدن شیپور، سازمان پرافتخار و به صاف کردن توده‌ها بصر می‌برد، وقتی که با دست و دل بازی در مورد تکامل دموکراسی به سوسیالیسم گذاشتن می‌کند و دموکراسی توده‌ای را امری مفروض می‌داند!

امروزه، در ایران استبداد دزد، کمونیستها با بلند کردن پرچم دموکراسی و دفاع بی‌تزلزل از کلیه حقوق دموکراتیک و مطالبات آزادیهای بی‌قید و شرط سیاسی، راه‌گذار توده‌ها به دموکراسی توده‌ای را گشوده و نیروی لازم برای درهم کوبیدن نظام سرمایه‌داری را حول طبقه کارگر سازمان می‌دهند. بنا بر این "اقلیت" که این چنین دفاع از آزادیهای سیاسی را به

تحقیق می‌گیرد و با زستی انقلابی آنرا لیبرالیستی می‌خواند و تریاق کشور ما چاره‌ای ندارد به جز اینکه در مورد سرکوب نیروهای اپوزیسیون ابتدا به تعیین خلقتی بودن و یا نبودن این نیروها بپردازد. و بخشی از سیاست سرکوبگرانه رژیم را مشروع جلوه دهد یا حداقل سکوت بگذارد. مقاله کار اقلیت با حمله به موضع سازمان ما و در شرایطی که هیچیک از گروه‌های بورژوازی قادر به دفاع از آزادی و دموکراسی نیستند، یکبار دیگر سفاکت سیاسی سالهای ۵۸ تا ۶۰ را تکرار می‌کند و بی‌انگه از آموزشهای سالهای اخیر بهره گرفته با شتاب ردیگر من سپردن میدان مبارزه به لیبرالهای بورژوا، ناتوانی خود را برای سازمان دادن توده‌ها، و برای مبارزه حول کلیه خواسته‌های آنها آشکار می‌کند. پوپولیزمها در گام اول مبارزه برای سوسیالیسم نشان می‌دهند که بنا به "سرت طبقه‌ای متناقض خود" نمیتوانند حتی از دموکراسی بورژوازی و بدیهی‌ترین حقوق دمکراتیک توده‌ها دفاع کنند و بدین ترتیب در وضعیتی که در نبود دموکراسی قبل از همه و بیش از همه بر طبقه کارگر فشار وارد می‌شود و سرپیشتروان کارگری و کمونیست را از تسن جدا می‌کنند و در شرایطی که انقلاب کارگری ایران برای پیش رفتن و برای گردآوری نیرو و سازمان ندهی خود، مثل هوا به دموکراسی نیاز دارد، چاره‌ای ندارد مگر اینکه یکبار دیگر در حاشیه سیاست و مبارزه طبقاتی، در لاک درمائی خود فرو روند!

(۳) و می‌دانیم که، لنین در آستانه انقلاب اکتبر، حاضر به حذف هیچیک از مطالبات حداقلی حتی مجلس موسسان از برنانه خود نشده، پس از کسب قدرت توسط شوراها با زهمتا سال ۱۹۱۹ بهیچوجه برنانه حداقلی را حذف نکرد و تنها با طمینان یافتن از تحکیم قطعی حکومت شوراها (دموکراسی توده‌ای پوپولیزمها پیشکش!) تغییر برنانه حزب را کار درستی دانست.

## ترکیه فروخت ، ایران به رگبار بست!

۵۸ ایرانی پناهنده از طرف دولت ترکیه به پاسداران حکومت تسلیم و بلافاصله به رگبار بستند. امضاء قائم مقام شهراوزالپ (OZALP) واحد ۲/۱۲۰ ژاندارمری مرزی و مسئول شهرستانی وان در این تحویل پناهندگان وجود دارد. ادعا می شود که در آزادی هر پناهنده ۷۰۰ دلار به دولت ترکیه از طرف ایران پرداخت شده است. وزیر کشور ترکیه این ادعا را دروغ نامید.

کمانی که تا نشان خوانده شده بود، وسایل خود را جمع کرده، با دوستان نشان غذا حافظی نموده و در ساعت گذشته شده در جلوی مرکز پلیس جمع گردیده و خود را برای انتقال آماده نمودند.

دردره کوتور (KOTUR) ۵۸۰ مرده

بعدها مناطق گفته شده به پناهنده تغییر پیدا کرد و پناهندگان دردره کوتور (KOTUR) به فرمانده پاسداران تحویل داده شدند. همه چیز رسمی و بر اساس قانون بود. قرار داد تحویل و تحویل از طرف قائم مقام ووزالپ (OZALP)، فرمانده واحد ۲/۱۲۰ ژاندارمری مرزی فرستاده (نما پنده) رئیس پلیس وان امضا شد.

بدنبال این مسئله خبریان افشا و تعریف می کنند: وقتی فهمیدم دو پسرم جزو ۵۸۰ ایرانی هستند، ما شهن کرا به نموده و بدنبال نشان رفتیم. در ووزالپ (OZALP) بودم که مسئولی گفتند به مرز برده شده اند، ما منطقه ممنوعه پیش رفتیم، بعد دیدارشان موفق نشدم. به بالای یک تپه رفتم و منتظر شدم. چند ساعتی نگذشته بود که صدای رگبار را شنیدم.

"پاسداران دولت ایران بدون ائتلاف وقت ۵۸۰ پناهنده تسلیم داده شده را جلوی تسلیم دهندگان به آتش رگبار بستند."

به نقل از مجله ترکی "بسمت ۲۰۰۰"

(Dergi 2000) شماره ۲۳

اسامی عمده ای از پناهندگان

که تحویل ایران داده شده اند:

- ۱- امید عبیدی
- ۲- محبوبه علی عابد
- ۳- علی مشهدی
- ۴- علی افشار
- ۵- بالملعی افشاری
- ۶- جهانگیر افشاری
- ۷- روبرت آقا زاده
- ۸- کامبیز اقدسی
- ۹- علی عربشاهی
- ۱۰- کامیس بابیل
- ۱۱- ایرج بهروزیان

- ۲۳- بورکا لطیفی
- ۲۵- عباس موسوی
- ۲۶- حمید پورقا سمی
- ۲۷- مسعود مادی
- ۲۸- سعید مادی
- ۲۹- علیرضا صدقی
- ۳۰- آمانوئل سرگیس
- ۳۱- پناشل سرگیس
- ۳۲- منصور سلیمانی
- ۳۳- علیرضا سیفیان
- ۳۴- عبدالمجید شمشیری
- ۳۵- امیرچگیگینی
- ۳۶- رحیم تونس
- ۳۷- فرانسیس
- ۳۸- کیا نوس
- ۳۹- پیمان
- ۴۰- وحید

- ۱۲- عظیم بوبار
- ۱۳- کوروشی
- ۱۴- سعید افشین
- ۱۵- تایفه میری
- ۱۶- مهربان قراسی
- ۱۷- عباس مصطفی پهبزاده
- ۱۸- روبرت گلنار
- ۱۹- حمید خادم پور
- ۲۰- حسن خلیلی
- ۲۱- یاکوب عبیدی
- ۲۲- مهران اسماعیلی
- ۲۳- آمانوئل لطیفی

TÜRKİYE

MÜLTECİLER

## Türkiye sattı, İran kurşuna dizdi

58 İranlı mülteci, Devrim Muhafızları'na teslim edildi ve hemen oracıkta kurşuna dizildi. Teslim tutanağında Özalp Kaymakamlığı, 120/2 Jandarma Hudut Komutanlığı ve Van Emniyet Müdürlüğü görevlilerinin imzası var. İran'ın, iade edilen mülteci başına 700 dolar verdiği iddia ediliyor. İçişleri Bakanı iddiaları yalanladı.

Byaz Renault station, Van'ın Çaldıran Otel'i'nin önünde durdu. 65 AU 661 plakalı arabadan sivil giysili üç polis indi, otelin lobisinde kendilerini bekleyen İranlı mültecilerin yanına gitti. Polislerden biri elindeki dosyadan, otelde kalan 34 mülteci den 16'sının adını okudu. Oradan Aslan, Murat ve Sibel otellerine gittiler. Toplam 58 İranlı mülteciye, bekledikleri müjdeyi getirmişlerdi. Ertesi gün, yani 29 Temmuz'da Birleşmiş Milletler gözetimindeki Kayseri, Çorum, Hakkışehir, Kütahya ve Kastamonu mülteci kamplarına gönderileceklerdi.

Adları okunular, eşyalarını topladılar, kalkanlarını vedalaşmalar ve tam süren saatte Emniyet Müdürlüğü'nün önünde toplanıp, kendilerini götürcek araçlara bindiler.

KOTUR DERESİ'NDE 58 ÖLÜ

Sonra araçlar doğuya yöneldi, İran'a. Mülteciler Kotur Deresi muntazamında Pastaran Komutanlığı'na teslim

edildi. Her şey resmi ve kurallara uygundu. "Teslim ve teslimatı" nın Özalp Kaymakamlığı, 120/2 Jandarma Hudut Komutanlığı ve Van Emniyet Müdürlüğü görevlileri imzaladı.

Gerisini Fehriyan Afşarı anlatıyor: "Aralarında iki oğlumun da bulunduğu 58 kişinin İran'a doğru gönderildiğini öğrenir öğrenmez, arabaları alıp peşlerine düştüm. Özalp'a vardığımda yetkililer anıra götürdüklerini söylediler. Yasak bölgeye kadar izledim, yetişemedim. Bir tepeye çıkıp bekledim. Birkaç saat geçmemişti ki, kurşun sesleri duydum."

İran Devrim Muhafızları hiç zaman kaybetmemiş, 58 kişiyi, teslim eden Türk yetkililerin önünde hemen oracıkta kurşuna dizmişlerdi.

"MEÖER ÖLÜM TÖRENİYMİŞ"

Katliamdan kurtulanlar özgünlükler, öfkeliydiler. Cihanşir Şemsiri başında anlatmaya: "Arkadaşlarımızın kamplara götürüleceğini söylediklerinde çok

sevinmiştik. Kendi aramızda bir eğlence bile düzenledik. Meğer ölüm törenlerini yapmışız. Türk polisi resmen yalan söyledi. Duyduk ki İran makamları, teslim edilen her İranlı için 700 dolar ödemiş, bu, Azerbaycan valisiyle yapılan sınır ticaret protokolünde varmış. Sınır ticaretinizin özü insan ticaretidir oldu."

Türk yetkililerinin İranlı mültecileri para karşılığı sattığı kanısı yaygın. Holidi Emirzade, başka şeyler de anlatıyor: "İran'dan kaçalı 56 gün oldu. Her Allah'ın günü polisimize para vermekten bıktık. Daha üç gün önce, "karbon kâğıdı alacağız" diye 120 İranlıdan 1000'er lira topladılar. Sonradan öğrendik bir kutu karbon kâğıdı 5 bin liraymış. Anlaşılan sizin polis 2000 yılına kadar ki karbon kâğıdı ihtiyacını bizden karşılamış; Postaya evrak verilecek; para; teleks çekilecek, para... Birleşmiş Milletler Komisyonları'nın gönderdiği paralara da el koyuyorlar. Eşim ve benim adımıza 300 dolar gönderildi, oysa bize

ŞİP'YE GÖRÜŞEN İRANLI MÜLTECİLER



# جان هزاران پناهنده ایرانی در ترکیه در خطر است!

ایرانیان مبارز!

سازمانها و احزاب مترقی!

طی اخبار روزگزارشات رسیده از طرف نیروها و عنا مرترقی ضد رژیم، اخیرا با توافقا که بین دودولت ترکیه و ایران انجام پذیرفته است، پلیس و ما مورین مرزی هر دو کشور مجازا نخواهند بود جهت تعقیب، شناسائی و دستگیری مخالفین هر دو رژیم به شهرهای مرزی یکدیگر وارد شوند. در نتیجه این اقدام غیرقانونی در چند هفته اخیر تعداد سیصد نفر از عنا مرسیایی و مخالف رژیم توسط پلیس ترکیه و پاسداران مرزی رژیم جمهوری اسلامی در شهر "وان" ترکیه شناسائی و دستگیر شده اند.

رژیم جنایتکار و ضد مردمی جمهوری اسلامی اینک در چمبره بحرانی سخت بسر میبرد، وحشت و هراس از نافرمانیهای مردم، بایاداری و استواری زندانیان سیاسی، اعتراضات و اعتصابات کارگران و زحمتکشان، مخالفتها و مقاومت مردم در برابر جنگ خانمان برانداز، باعث گردیده تا بار دیگر رژیم ددمنش و خونریز جمهوری اسلامی موجی از خشونت و جنایت را بر آندازد. اعدای اخیسر زندانیان سیاسی، دستگیری فعالین و عنا مرضد رژیم، بهدراویختن ستن از جوانان مخالف رژیم در حین عبور از مرز ترکیه در سه راهی شهرستان خوی، نمونههایی است از این سیاستهای فدیشری. بهمین منظور کمیته دفاع از پناهندگان ایرانی در استکهلم بعنوان اعتراض به سیاستهای ضد حقوق بشری دولت ترکیه و تما سها و همکاریهای پنهانی با رژیم جمهوری اسلامی و پاسداران مرزی برای دستگیری و کشتار مخالفین رژیم حتی در خارج از مرزهای ایران، نظا هراتی ایستاده در مقابل سفارت ترکیه در استکهلم را تدارک دیده است.

شرکت و حضور شما در این نظا هرات نشان از آزادیخواهی و احترام به حقوق بشر است.

متحدا از حقوق پناهندگان ایرانی در ترکیه دفاع کنیم

سرتگون با در رژیم جمهوری اسلامی

مرگ برا مهربا لیم

زنده با دآزادی - زنده با دوسوبالیم

کمیته دفاع از پناهندگان ایرانی در ترکیه - استکهلم

محل تجمع: میدان SERGELSTORGET

۸۸/۸/۱۲

زمان: دوشنبه ۸۸/۸/۱۵ ساعت: ۱ بعد از ظهر

## "علیه استرداد" و کشتار پناهندگان متحدا اعتراض کنیم"

بدنبال تحویل ۵۸ پناهنده ایرانی توسط دولت ترکیه به رژیم اسلامی و انتشار اخبار عدا م دسته جمعی آنها توسط پاسداران رژیم در دره قطور تعدادی از تشکل های دمکراتیک و تشکل های هواداری سازمانهای دمکرات و انقلابی و کمونیست دروین - اطریش، با انتشار اطلاعیه ای از هوامطنان ایرانی دعوت کرده اند که روز هفتم سپتامبر مقابل سفارت ترکیه علیه سیاستهای فدیشرانه دولت دست به نظا هرات ایستاده بزنند. نیروهای زیر اطلاعیه را امضا کرده اند:

- ۱- شورای دفاع از مبارزات خلقهای ایران وین
- ۲- سازمان دانشجویان ایرانی - وین، اطریش
- ۳- هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) (راه کارگر) - و اخدا طریش
- ۴- هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - وین
- ۵- هواداران حزب دمکرات ایران رهبری انقلابی - و اخدا طریش
- ۶- کانون دفاع از پناهندگان سیاسی ایرانی - اطریش
- ۷- سازمان دانشجویان ایرانی دروین هوادار - ان چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رهاشی - بخش خلقهای ایران)

همین نیروها یک تشکل اعتراضی نیز بسسه تعدادی از سازمانهای هوادار حقوق بشر و برخی ازوزارتخانهها در اعتراض به تحویل پناهندگان ایرانی به رژیم جنایتکار اسلامی ارسال کردند.



## نشریه "کارگر تبعیدی"

شماره اول "کارگر تبعیدی" ارگان جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران منتشر گردیده. این شماره حاوی مقالاتی راجع به اوضاع و مسائل کارگری ایران، پلانترم جنبش مذکور، لیست اسامی شهدای کارگران ایران از سال ۵۷ به بعد و اخبار روزگزارشات مختلف است. ضمن تشکر از دفتر مرکزی جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران که نشریه و یک نسخه از پلانترم خود را برای ما ارسال کرده اند برای آشنایان در امر مبارزه بزرگشان از آرزوی پیروزی دریم و در اولین فرصت پلانترم این جنبش را در پها مکارگردرج خواهیم نمود.

لیست کمکهای مالی	
آنا هیتا	۱۰۰ مارک
الدوز	۹۰ "
ف ۲۸	۲۰ "
ن ۱۴	۱۰ "
س ۲۵	۱۰ "
ج ۸	۱۰ "
ن ۲۴	۲۴ "
هواداران راه کارگردر هلند، (هسته علیبرضا شکوهی)	
کیلدن	۱۰۰
ر-م	۱۷ مارک
ر-ه	۷۰۰ "
ا-ن	۳۱۰ "
گروه رقص محلی	
د-د	۱۶۰ "
ب-م	۵۰ "
س-ن	۵۰ "
ه-ی	۲۰ "
ت-ر	۱۰۰ "
ت-خ	۲۰ "
م-د	۱۰ "
ش	۳۰ "
کزال	۷۰ "
هدیه شهردر دریافت شد	

### کارگر تبعیدی

شماره اول - شهریور ۱۳۶۷

موضوع: اعتراضات کارگران ایران و هواداران

**بعضی اعلام موجودیت**

و استوارترین نشانه شرفها

حسرت و آوارگی

اسامی این کارگران ایرانی

از جمله: ...

**بعضی اعلام موجودیت**

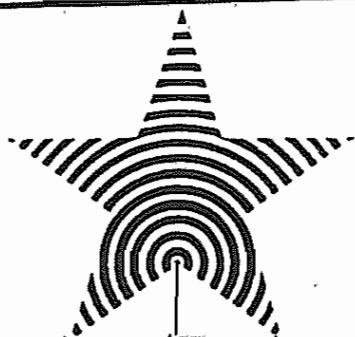
و استوارترین نشانه شرفها

حسرت و آوارگی

اسامی این کارگران ایرانی

از جمله: ...

**زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!**



**صدای کارگر**

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران راه انداز

★ برنا مه صدای کارگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر ۴ مگا هرتز پخش می گردد .  
 ★ این برنا مه ساعت ۹ همان شب ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می گردد .  
 ★ جمعه ها برنا مه ویژه پخش می شود

★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید ؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتشان برسانید

برای تماس با سازمان از خارج کشور، با شماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳ - ۳۰ - ۴۹ در برلین غربی تماس بگیرید . بدلیل کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط رژیم اسلامی ، مطلقاً تحت هیچ شرایطی از داخل کشور با این شماره تلفن تماس گرفته نشود .

**آدرس پیام کارگر**

POSTFACH  
650226  
1-BERLIN 65

ALIZADI  
B.P. 195  
75564 PARIS  
-CEDEX 12  
FRANCE

**افشای يك جاسوس ديگر**

کراچی - پاکستان :

وباندهای تبهکار روتورریست اش دوشن ازبناهند. کان بلوچ را در تاریخهای ۳۰ و ۳۱ جولای دریکی از مناطق کراچی دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار می دهند. آنها دوبنا هنده مزبور را تهدید می کنند و اظهار می دارند که آنها در شنا سازی جاسوس رژیم دست داشته اند. امین سیدزاده فرد خود فروخته فرزند نامان الله سیدزاده ساکن سراوان (بلوچستان) می باشد. پدرش در زمان ستمشاهی یکی از مسئولین عشا بریلوچستان و از مهره های مسوود اعتماد و اک و از خوانین فعال در سرکوب خلق بلوچ بوده و در پستهای متعددی در خدمت به "ولی - نعمت" و "ظلاله" انجام وظیفه می نموده است. خود امین نیز در زمان شاه یکی از اعمال سرسپرده ساواک و عضو حزب منقور رستا خیز بوده که پس از سرنگونی رژیم پهلوی دستگیر می شود و پس از گذشت مدتی کوتاه با ابقاء در شغل سابقش آزاد و به خدمت رژیم جمهوری اسلامی در می آید.

"کمیته پناهندگان و آوارگان بلوچ ایران" در اعلامیه ای به تاریخ ۱۹۸۸/۸/۷ تحت عنوان "جاسوسان رژیم جمهوری اسلامی را افشاء نمائیم" یکی دیگر از فریب خوردگان جاسوس رژیم قبمقها را با نام امین سیدزاده کشف و افشاء کرده است. وی که در برنا مه ۱۳ جولای "انجمن فرهنگی پناهندگان و آوارگان ایران" به عنوان تماشاچی شرکت کرده بود تا بدینوسیله به شنا سازی ایران تیان مخالف رژیم فدرالی سلامی بپردازد، توسط پناهندگان مورد شنا سازی قرار گرفته و به بیرون از سالن هدایت گردید. درباررسی بدنی از او کارشناسان پاکستانی و جواز حمل سلاح بدست آمد. وی که پشتش به پلیس پاکستان گرم بود، شروع به فحاشی و داد و بیداد نمود و در داخلت پلیس بجای جاسوس چند نفر از پناهندگان و آوارگان بی پناه را برای دستگیر شدن، که پلیس بعداً زبیر ونده سازی آنها را آزاد کرد. پس از این حادثه شبکه جاسوسان رژیم اسلامی

**نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را مشترک شوید!**

برای اشتراک نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) فرم زیر را پر کرده همراه با معادل هزینه اشتراک، رسید بانکی پرداخت و یا وجه نقد به آدرس زیر ارسال نمائید.

نام نشریه	مدت اشتراک	اروپا	آمریکا و سایر نقاط با پست هوآشی
راه کارگر ارگان سیاسی سازمان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۵ مارک ۵۰	۳۱ مارک ۶۲
راه کارگر بین المللی راه کارگر بزرگان انگلیسی (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۸ مارک ۱۶	۱۰ مارک ۲۰
پیام کارگر ارگان کمیته خارج از کشور (۵روزه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۸ مارک ۵۶	۳۳ مارک ۶۶
رنگای کرپکار ارگان کمیته کردستان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۱ مارک ۲۲	۱۲ مارک ۲۴
کاری راه ارگان کمیته بلوچستان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۱ مارک ۲۲	۱۲ مارک ۲۴

آدرس :

شماره حساب بانکی :

Postfach 650226  
1BERLIN 65

H-Softanzadeh  
Deutsche Bank Berlin  
Bankleitzahl - 10070000 -  
Konto-Nr: 5208533

نام و نشانی کامل مشترک :  
(لطفاً تغییرنشانی تان را اطلاع دهید)

.....  
.....